

مؤثرترین پاسخ به توطئه‌های تفرقه افکنانه:

اتحاد است

برای درک توطئه جدید آمریکا، که بار دیگر بر فضای انقلاب ایران سایه می‌گستراند و استتسار بوی خطر، تبحر سیاسی لازم نیست، کافایت در متن حوادثی که ۲ سال گذشته در کشور انقلابی ما رخ داده، زندگی کرده باشیم، تا از مشاهده حوادثی که امروز در کشور ما می‌گذرد، به توطئه خطرناکی که در حال تکوین و اجراء است، یقین حاصل کنیم.

تجربه ۶ توطئه خطرناک و گسترده، که امپریالیسم آمریکا بگونه‌های زنجیره‌ای و یکی از دیگری گسترده‌تر و مهلک‌تر برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، طرح ریخت و به مرحله اجرا درآورد، حاکیست که هر توطئه با یک زمینه‌سازی وسیع آغاز گردیده، تا درست در لحظه اوج اختلافات و تشنج‌ها تو درگیریه، که توسط عوامل آشکار و نهان امپریالیسم آمریکا پدید آمده و دامن زده میشد، دست آهینی، بکار افتد و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را منهدم سازد. خوشبختانه با هوشیاری و جانبازی و فداکاری نیروهای انقلابی و توده‌های سلیبونی خلق، تمامی این توطئه‌ها به شکست انجامید و درد شکست برای دشمن و تجربه عظیم پیروزی برای خلق و نیروهای انقلابی و

دولتی کردن مدارس خصوصی ضرورت انقلاب خلقی ما

از دوران طاقت‌مداری برای ما به‌ارت مانده بود که نام «ملی» برخورد گذاشته بودند، ولی در واقع موسسات سرمایه‌داری بودند که بر مبنای کسب حداکثر سود عمل میکردند و در خدمت خانواده‌های مرفه و متمکن قرار داشتند. آنها با دریافت شهریه‌های گزاف و پولهای هنگفتی که به بهانه عرضه خدمات از جیب اقتدار و طبقات مرفه جامعه بیرون میکشیدند، این امکان را برای فرزندان آنان فراهم می‌آوردند که در فضای کافی، کلاسهای وسیع و روشن و مجیز، زیر نظر آموزگاران و دبیران و مربیان مجرب، بیاموزند، سرویس رفت و آمد داشته باشند، زمین و امکانات ورزشی در اختیارشان باشد، از خدمات جنبی مانند کلاسهای موسیقی و زبان، گردشهای دسته‌جمعی و غیره استفاده کنند. برخی از این مدارس، به بهانه کودکان خانواده‌های خارجی، یعنی آمریکایی و انگلیسی و آلمانی و ایتالیایی و فرانسوی مقیم تهران، تاسیس یافته بود، ولی در آن محدوده باقی نماند، این مدارس چون امکانات گسترده و وابستگی‌های خاص به مراکز اصلی خود داشتند، بابطلع خانواده‌های متمکن ایرانی قرار گرفتند و فرزندان آنانرا جذب کردند.

در یکی از جلسات اخیر مجلس شورای اسلامی ایران، که آقای دکتر یدالله سجادی، نماینده تهران، پرسش‌هایی در ارتباط با دولتی‌شدن مدارس خصوصی، از وزارت آموزش و پرورش مطرح ساخت، و پس از آنکه پاسخ آقای دکتر باهنر، وزیر، آموزش و پرورش، را ممتنع ندانست، گزارشی را درباره همین مسئله قرائت کرد که، آن پرسش‌ها و این گزارش در مجموع، معرفت‌نقله‌نظرهای مخالفت‌آمیز دکتر سجادی در مسئله دولتی‌کردن مدارس خصوصی است، که یکبار دیگر نیز، بهنگام تصویب این لایحه قانونی از سوی شورای انقلاب در سال گذشته، بیان داشته بود.

مسئله دولتی‌کردن مدارس خصوصی، که در اجراء قانون اساسی جمهوری اسلامی مبنی بر «توزیع عادلانه امکانات آموزشی» به تصویب شورای انقلاب رسیده، یکی از مثبت‌ترین مصوبات شورای انقلاب است. این مسئله برای نخستین بار در دولت موقت مطرح گردید، که به گفته دکتر سجادی با آن مخالفت بعمل آمده، یعنی آقایان لیبرال‌ها مانع از پذیرفتن این طرح شدند. پس از سقوط دولت موقت، طرح قانونی دولتی‌شدن مدارس خصوصی، در اسفندماه ۱۳۵۸ به تصویب شورای انقلاب رسید و از تیرماه سال ۱۳۵۹ به مرحله اجرا درآمد.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۳
شنبه ۲۲ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۵ صفر ۱۴۰۱، به ۱۵ ریال

پیشنهاد های سازنده اتحاد شوروی برای تبدیل خلیج فارس و اقیانوس هند به منطقه صلح و امنیت

حجت الاسلام خامنه‌ای:

مردم بدانید، شیطان بزرگ آمریکا و شیطانهای کوچک در سراسر منطقه و در داخل ایران در کمینند

شیطان بزرگ آمریکای جهان‌خوار و مزدوران داخلی و خارجی‌اش در کمینند تا انقلاب را به نابودی کشانند. وی همچنین توطئه ستون پنجم دشمن را که در پشت جبهه به تضعیف انقلاب مشغول است، افشاء کرد. حجت‌الاسلام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز از جمله سخن اشاره به اینکه جنگ تحمیلی آمریکایه بقیه در صفحه ۷

مردم بدانید که پس مانده‌ها و تقاله‌های رژیم طاغوتی گذشته ایران هنوز امیدوارند، هنوز در کمینند و در همه جا هستند. در سطح جامعه برای تضعیف نهادهای انقلابی و بر مبنای بعضی نقایض ضعف موجود در این نهادها، پاپ‌ریزی می‌شود، اشاره کرد.

مناسبات اتحاد شوروی و هند منظر تحقق اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری برابر حقوق و تعریفش است. اتحاد شوروی دامن‌زدن به جنگ ایران و عراق را محکوم میکند. یگانه راه حصول توافق با دولت افغانستان، رعایت اصل حسن همجواری است.

در باره اوضاع خاور نزدیک و میانه

لئونید برژنف، ضمن اشاره به اوضاع آسیا، آنرا «تنگرانی‌کننده» خواند و گفت: «اوضاع خاور نزدیک نیز، که در آن همچنان برای تحمیل تالی‌های تسلیم‌طلبانه به کشورهای عربی و وادار ساختن آنها به پذیرش پایمال‌شدن منافع ملی و بنیادیشان تلاش بعمل می‌آید، حالتی انتحاری بخود گرفته است. در جنوب‌خاوری آسیا هم، که امپریالیست‌ها و دستیارانشان سیاست رویارو ساختن یک یا گروهی از کشورها در برابر بقیه در صفحه ۷

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، که از هند دیدار رسمی و دوستانه‌ای بعمل آورد، در روز چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۵۹ در پارلمان آن کشور سخنرانی مهمی ایراد کرد. لئونید برژنف خاطرنشان ساخت که: «مناسبات میان اتحاد شوروی و هند به عامل مهم تحکیم پایه‌های صلح در آسیا و پیروزی از محدوده این منطقه مبدل شده است. این مناسبات، که بر پایه استوار «قرارداد صلح، دوستی و همکاری» گسترش می‌یابد، منظر تحقق اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری برابر حقوق و تعریفش با کشورهای دارای نظام‌های اقتصادی-اجتماعی مختلف است».

نورالدین کیانوری

«پرسش و پاسخ»

شخصیت‌های خلقی و ضد امپریالیست نباید بالیبرال‌ها در یک صف قرار گیرند

آیا سوسیالیسم، سرمایه‌داری دولتی است؟

در روزهای ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ آذرماه:

تلفات سنگینی به دشمنان متجاوز وارد شد

یک فروند هواپیمای متجاوز عراقی در شمال ماهشهر سرنگون شد.

دشمن در منطقه شرق سلیمانیه عراق- حمله به نیروهای زرهی دشمن مستقر در جبهه آبادان و انهدام تعداد قابل ملاحظه‌ای از تانکها و نفرات ارتش عراق- در ساعت ۹:۰۸ با مسدود روز ۱۹ آذرماه یک فروند از هواپیمای متجاوز عراقی هدف چنگنده‌های نیروی هوایی قرار گرفت و در منطقه شمال ماهشهر سرنگون شد- همچنین در این روز تعدادی از هواپیمای متجاوز عراقی به مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در آبادان تیرباران گردیدند که بر اثر آتش‌بارهای دقیق در دست نیست. ۲- در اثر حمله هوایی چنگنده‌های هواپیمای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، هواپرواز به داخل خاک عراق، مناطق قدانی، الدوره و العمام، برج‌های دیده‌بانی و ۲ دستگاه کامیون حامل نفرات و یک دستگاه تانکر سوخت دشمن منهدم شد و حدود تویخانه و سلاحهای سنگین به

قرارداد ترانزیت ایران و شوروی قرارداد سود استقلال ایران

این قرارداد در خیلی از موارد بنفع دولت جمهوری اسلامی ایران، یکطرفه بسته شده است. «راديو بختیار» این قرارداد را مخالف اصل «نه شرقی نه غربی» و «رنجبر» آنرا «بزیان استقلال ایران» میدانند!

قرارداد ترانزیت میان ایران و شوروی، روز ۱۶ آذر ماه ۵۹ در مجلس شورای اسلامی ایران با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید و بدین ترتیب کام عملی قرارداد ترانزیت میان ایران و شوروی، روز ۱۶ آذر ماه ۵۹ در مجلس شورای اسلامی ایران با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید و بدین ترتیب کام عملی

قرارداد، نخستین قراردادی است که بر مبنای برابری حقوق و سود متقابل با یک کشور خارجی بسته میشود و نمونه‌ای بارز از آن نوع روابطی است که یک کشور مستقل و آزاد، که غارت نمی‌کند و غارت نمی‌شود، سر-نوشت خویش را بدست دارد و بسود خلق خویش منابع طبیعی و انسانی خود را مورد بهره‌برداری قرار میدهد، باید یا بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

موثرترین ...

یقه از صفحه ۱
 مسئولان متصد و انقلابی برجای ماندند، برجسته-ترین نمونه‌های این «تدارک» و «ناجیه» تجاوز نظامی در طبرستان و کردستان نافرجام ۱۸ تیر بود، که هر دو آنها با یک جنجال و تشنج عظیم در داخل کشور و درگیری میان گروه‌های مختلف همراه بودند.

امریالیسم آمریکا پس از چند شکست پیاپی و از دست دادن بخش بزرگی از نیروهای ذخیره ضربتی خود در درون ایران، چاره‌ای جز آن نیافت که رژیم جنایتکار صدام حسین در علیه انقلاب ایران برانگیخت. این توطئه عظیم نیز که طراحان آن تصور میکردند، در عرض چند روز به پیروزی خواهد انجامید، از نظر سیاسی با شکستی خردکننده مواجه شد و به نیروی مدافعه حماسه‌آمین مردم انقلابی و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، اعم از پاسدار و ارتشی، از نظر نظامی نیز محکوم به شکست است.

شکست قطعی و نهایی رژیم صدام حسین در این تجاوز خائنه، که پیشک وضع سیاسی برادر یکی دیگر از حساس‌ترین نقاط خاورمیانه، یعنی عراق را به‌زبان امریالیسم آمریکا تغییر میدهد، امری نیست که با سکوت و موافقت امریالیسم آمریکا مواجه شود. پیشک امریالیسم آمریکا تمامی تلاش خود را بکار خواهد انداخت تا از چنین شکستی برای رژیم جنایتکار صدام، سامنت کند. پیشک امریالیسم آمریکا به هر عملی دست خواهد زد تا انقلاب ایران را از پیشروی بازدارد. بهین دلیل، گذشته از تدارکات وسیع برای تقویت نیروی رو به ضعف ارتش متجاوز صدام حسین، امریالیسم آمریکا در سدد است، تا جبهه‌های جدیدی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بگشاید.

این توطئه جدید همانگونه که روش همیشگی امریالیسم آمریکا است، با کارزار وسیعی بمنظور ایجاد تفرقه میان نیروهای خلق و ایجاد تشنج و درگیری میان آنها، انحراف توجه آنها از صحنه اصلی کارزار و دشمن اصلی، آغاز شده است.

دستگاه‌های تبلیغاتی امریالیسم آمریکا و وابستگان و بیروان داخلی آن، نخست تلاش کردند که با پیشک اخبار جعلی در مورد کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به رژیم صدام، امریالیسم آمریکا را، که از مدتها قبل رژیم صدام را برای حمله به ایران مجبور میکرد، از زیر ضربه خارج سازند و یا برای او شریک جرم برشاندند. کشورهای وابسته‌ای چون یمن شمالی، سلاح‌های ساخت شوروی را که از گذشته در اختیار داشتند به عراق فرستادند تا در عین تقویت صدام حسین، بیروان خط برژینسکی و دستگاه‌های تبلیغاتی امریالیستی بتوانند مدعی ادامه کمک نظامی اتحاد شوروی به عراق شوند. علیرغم آنکه پندره عقبه بندری اردنی و تحت اختیار امریالیسم آمریکا است و عراق از مدتها قبل از جنگ، با پرداخت یک میلیارد دلار به اردن، آنرا تجویز و تکمیل کرده است، دستگاه‌های تبلیغاتی امریالیستی و الهام‌گیرندگان ایرانی آنها، در بوق و کرناهی خود دمیدند که «شوروی علیه ایران به عراق کمک نظامی می‌کند».

ولی این کارزار تبلیغاتی خیلی زود شکست خورد و حقایق که، بیانگر پشتیبانی پدیدار اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بودند، سرعت آشکار شدند. اما تدارکات تازه آغاز شده بودند...

یک مصاحبه تحریک‌آمیز، زنده و افترا آمیز علیه مسلمانان انقلابی و روحانیت مبارز در سیمای جمهوری اسلامی ایران و بدنبال آن راه‌پیمایی گروهی مشکوک در قم، که خواستار «بازگشت روحانیت به مساجد» و «جدائی دین از سیاست» بودند و برخاستن فریاد «موی آزادی» از من جرأید و نشریات پیرو خط برژینسکی و خواستار سازش با امریالیسم آمریکا، نشان دهنده توطئه وسیعی بود که مستقیماً ستون فقرات نیروهای رجمی‌کننده انقلاب، یعنی روحانیت مبارز رژیم خط امام و رهبر انقلاب امام خمینی را آماج خود قرار میداد.

بدنبال این تحریکات گستاخانه، جبهه‌های از کلیه نیروهای که از تعمیق و گسترش

انقلاب ناراضی و خواستار توقف آن بودند، تشکیل شد. در این جبهه، هم مدافعان بختیار، که یکسال قبل در قالب حزب ضدانقلابی «خلق مسلمان» در صدد ایجاد جنگ داخلی در آذربایجان و قم بودند، هم طرفداران مشروطه‌پسند سلطنت، که در دوران روی کار آمدن بختیار «برای یک سازش کامل سیاسی با بختیار» تلاش می‌کردند، هم ماؤتیست‌های تازه مسلمان شده، هم ماؤتیست‌های ضدانقلابی چپ‌نما (بی‌کار) که برای جنگ مسلحانه با جمهوری اسلامی ایران تدارک می‌یابند و بالاخره ماؤتیست‌های ضدانقلابی راست (رنجبران) که از گسترش جو ضد-امریکائی و ناراضی و خصم‌گیناند در تمامی توطئه‌ها و تحریکات نقش نمایان و فعال دارند، همگی گرد یکدیگر جمع شدند و از «فقدان آزادی» ناله سر دادند و روحانیت مبارز پیرو خط امام را آماج حملات خود گرفتند. یخنی از روحانیون نیز که از همان ابتدای انقلاب به مقابله با آن برخاسته و تنفر امام خمینی را برانگیخته بودند، همانهایی که از تعمیق انقلاب و فعالیت ارگانهای انقلابی و انجام اقدامات بسود دهقانان و دیگر زحمتکشان ناراضی بودند، به این گروه پیوستند و از فقدان آزادی، غارت بی‌بندوبار، اظهار نگرانی و ناراضی‌گری کردند. بدنبال این بلوای گسترده، گروهی عناصر مشکوک به «کانون نشر حقایق اسلامی» در مشهد حمله کردند و گروهی دیگر روزنامه «میزان» را اشغال نمودند. از بی اقدامات اینان، فریادهای «اتحاد نامقدس» مذکور از «خلطس فانیسم»، رسالت و گسترده‌تر شد.

مستافانه سرمایه‌داران بزرگ و وابسته، غارتگران بازاری، فئودالها و نیز گروه‌های نمایندگان معمم و مکلای آنان، و بزرگ‌گروه‌های ضدانقلابی ماؤتیستی و ساواکی‌های مخفی تنها تشکیل‌دهندگان این اتحاد نامقدس و برپاکنندگان این جنجال نبودند، بخشی از شخصیتها و گروه‌های خلقی نیز، که بهیچوجه در مواضع اساسی اقتصادی و سیاسی خویش با گروه فوق‌بسیان نیستند و حتی با آنها تضاد آشفتنی‌ناپذیر دارند، بعلت ناراضی‌گری از زیاده‌روی، انحصارطلبی و قسری‌گری افراد و محافل معین - که وجود

دارد، ولی فرعی است - ناخواسته در کنار لیبرالها قرار گرفتند.

توطئه‌ها ادامه یافت. گروه‌های مخفی و مجبوز و مسلح ضدانقلابی به بسب‌گذاری علیه روحانیون اقدام کردند تا این تصور را پدید آورند که «مردم علیه روحانیت قیام کرده‌اند». ماؤتیست‌های مسلمان‌نمای ضدانقلابی، رگبار دشنام و افترا را بر مسلمانان انقلابی، که زیر بار خواستهای سازشکارانه آنها نمی‌روند، گشودند، آنها را تکفیر کردند و «کمونیست» نامیدند و تعمیق انقلاب را، که خواست توده‌های میلیونی زحمتکش است، کار «توده‌های»، که گویا در جسم مسلمانان «حلول» کرده و آنها را «تسحیر» نموده‌اند، نامیدند. آنها تلاش کردند تا مسلمانان انقلابی را علیه متحدین صدیق و راستین آنها، یعنی توده‌های برانگیزنده و متأسفانه همیشه ناموفق نبوده‌اند.

توطئه‌ها و تحریکات و ایجاد درگیری و تشنج میان مردم ادامه یافت، که نمونه آنرا می‌توان در مشهد و در آمل مشاهده کرد، که تاکنون چند کشته نیز بر جای نهاده است. «حزب ضدانقلابی «خلق مسلمان» نیز به فعالیت تحریک‌آمیز خود در آذربایجان افزوده است. تحریکات در میان محصلین و در مدارس و تحریکات در صنفیان نیز نمونه‌های دیگری است.

در کردستان باند قاسملو به‌راه دیگر مزدوران وابسته به پمت عراق در تدارک حمله گسترده به شهرها و پادگانها هستند. در بلوچستان و سیستان، مزدوران وابسته به ضیاءالحق، خانها و درویش‌های، که از گسترش انقلاب ناراضینند، در تدارک توطئه هستند. وجود ضدانقلابیون افغانی چون برهان‌الدین ربانی و گروهک توطئه‌گر و خرابکارش-جمعیته اسلامی افغانستان و در بلوچستان، که فعلاً به قاچاق اسلحه و فراری‌دادن ضدانقلابیون ایرانی اشتغال دارند، کانون خطر جدیدی را برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پدید می‌آورد. به گفته استاندار سیستان و بلوچستان «رد پای بختیار» هم در این ناحیه حساس مشاهده شده است.

ما براساس تجارب پر بار ۴۰ ساله خویش، که از زندگی و مبارزه علیه امریالیسم، بسب-کردگی امریالیسم آمریکا، در متن حیات سیاسی خلقهای ایران کسب کرده‌ایم و نیز براساس تجربه ۲ ساله انقلاب، این وقایع را جدا از یکدیگر نمی‌دانیم و به نیروها و مسئولین مشهد و انقلابی نیز توصیه می‌کنیم که بسب درس‌گیری از گذشته، هشیارانه و قاطعانه به توطئه جدیدی که اجرای آن آغاز شده است، برخورد کنند. همه حوادث گویای آن هستند که خطر جدی و مهلبک دیگری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بیابند و از نتایج شومی که اعمال آنها می‌تواند برای سرنوشته انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ببار آورد، جلوگیری کنند.

ما به نیروهای که نادانسته هیزم آتش نفاق ضدانقلابیون «آزادبخش‌ها» گشته‌اند، هشدار میدهم که هرچه سریعتر جبهه واقعی خویش را بیابند و از نتایج شومی که اعمال آنها می‌تواند برای سرنوشته انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ببار آورد، جلوگیری کنند.

ما به نیروهای متصد و انقلابی مسلمان هشدار میدهم که از داسهای نفاق، که ضد-انقلابیون و لیبرالها در مقابل آنها می‌نهند، حذر کنند و در ایجاد محیط قانم، که برای دشمن مهلبک است، بکوشند.

ما به مسئولان کشور هشدار میدهم که توطئه دشمن را در نهایت دقت در نظر گیرند و با ایجاد اتحاد مستحکم میان همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، این توطئه را نیز، همچون دیگر توطئه‌ها، عقیم گذارند.

در مقابل تانک دشمن که عیارت است: میان مردم تفرقه بینداز، رهبری را تضعیف کن، آذنان را از دشمن اصلی منحرف ساز و یورش ببر.

مشی نیروهای انقلابی باید عبارت باشد از: متحد مردم تفرقه بینداز، رهبری را تضعیف کن، آذنان را از دشمن اصلی منحرف ساز و یورش ببر.

مشی نیروهای انقلابی باید عبارت باشد از: متحد مردم تفرقه بینداز، رهبری را تضعیف کن، آذنان را از دشمن اصلی منحرف ساز و یورش ببر.

مشی نیروهای انقلابی باید عبارت باشد از: متحد مردم تفرقه بینداز، رهبری را تضعیف کن، آذنان را از دشمن اصلی منحرف ساز و یورش ببر.

مشی نیروهای انقلابی باید عبارت باشد از: متحد مردم تفرقه بینداز، رهبری را تضعیف کن، آذنان را از دشمن اصلی منحرف ساز و یورش ببر.

مشی نیروهای انقلابی باید عبارت باشد از: متحد مردم تفرقه بینداز، رهبری را تضعیف کن، آذنان را از دشمن اصلی منحرف ساز و یورش ببر.

مشی نیروهای انقلابی باید عبارت باشد از: متحد مردم تفرقه بینداز، رهبری را تضعیف کن، آذنان را از دشمن اصلی منحرف ساز و یورش ببر.

مشی نیروهای انقلابی باید عبارت باشد از: متحد مردم تفرقه بینداز، رهبری را تضعیف کن، آذنان را از دشمن اصلی منحرف ساز و یورش ببر.

مربع مساحت، ولی یک مدرسه دولتی ۶۵ سانتیمتر برای یک دانش-آموز مساحت داشته باشد... بنابراین امکانات وسیعی که در اختیار عده معدودی بود، در اختیار همه قرار میگیرد. در واقع پیش بسوی توزیع عادلانه امکانات آموزشی برای همه.»

و این سخنان درست، درست‌ترین منطق هر انقلاب مردمی است که امتیازات ناحق را مردود می‌شمارد و طرحی نو بر پایه عدالت و برابری درمی‌اندازد.

آقای دکتر سجایی مدعی است که: «بهره صحیح از دولتی شدن مدارس ملی گرفته نشده است.» و در اثبات این دعوی، دلایل زیرین را ارائه میکند:

- وسایل تحصیلی مجبوز در آن مدارس، بلااستفاده مانده‌است،
 - فرزندان جنوب شهر را در مدارس مجبوز دولتی شده شمال شهر راه نیست و این برخلاف شعارهاست،

- انحلال مدارس خصوصی، امری به نفع مستضعفان نیست، بلکه به نفع توانگران است، زیرا دیگر شهریه پرداخت نمی‌کنند.

اما هیچک از دلایل فوق، پایه محکم و منطقی ندارد. ممکن است، طبق ادعای آقای دکتر سجایی، در مدارس دولتی شده، وسایل تحصیلی مجبوز بلااستفاده مانده باشد. ولی این نه به آن دلیل است که دولتی کردن مدارس خصوصی کار نادرستی بوده، بلکه از آن جهت است که انقلاب هنوز در آغاز راه است و در این آغاز راه، تاگزیر با نارسائیه، ناهم‌آهنگی‌ها و نقائص روبرو است. نباید این نارسائیه، ناهم‌آهنگی‌ها و نقائص، اصول و قوانین انقلاب را نفی کند، بلکه وظیفه هر عنصر انقلابی آنست که اصول انقلاب را بپذیرد و برای رفع نارسائیه و ایجاد هماهنگی‌ها تلاش ورزد.

این ادعا که فرزندان جنوب شهر را به دلیل بعد مسافت، به مدارس شمال شهر راه نیست و بنابراین رفع اختلاف طبقاتی نشده، ادعائی درست نیست. برای تحقق اصل «توزیع عادلانه امکانات آموزشی» نباید چنین پنداشت که حتماً کودکان جنوب شهر باید مسافتی طی طریق کنند و به مدارس شمال شهر بیایند، بلکه باید با تعدیل شکاف طبقاتی و عرضه خدمات بطور برابر، این فاصله وحشتناک میان شمال و جنوب شهر از میان بریزد و بتدریج و طی زمان، تعادل لازم در فضای آموزشی، امکانات تحصیلی و غیره و غیره پدید آید و به تدریج و طی زمان همان مدارس جنوب شهر از امکانات مدارس شمال شهر بهره‌مند شوند. قرون براین، در تهران این شهر عجائب، که مغزترین مناطق و منازل مسکونی، پهلوی به پهلوی مدرن‌ترین آن ایستاده‌اند، آن دیوار چین میان شمال و جنوب شهر وجود ندارد که مستکبران در یکسوی آن و مستضعفان در سوی دیگر بسر برند. در شمال شهر، در کنار زیباترین باغها، ویلاها و مجتمع‌های مسکونی، محله‌های فقیرنشین، کومه‌های توسری‌خورده و زائنه‌هایی در دل زمین احداث شده‌اند، که محل سکونت مستضعف‌ترین مستضعفین، یعنی کارگران ساختمانی، سفال فروش‌ها و آدامس و سیگار فروش‌هاست، که سرپناهی با گل و خشت برای خود بنا کرده‌اند. چنین است در داودیه، چنین است در قیطریه و چنین است در پارهای دیگر از مناطق شمال شهر تهران. اینان همان جنوب شهرها و روستائیان آواره‌ای هستند که اگر بتوانند کودکانشان را به مدرسه بفرستند، مسلماً

دولتی کردن مدارس خصوصی...

یقه از صفحه ۱

بود که بهترین ساختمانها و باسابقه‌ترین و زودبهره‌ترین آموزگاران و دبیران را بخود تخصیص داده بودند. در راء این مدارس، مدارس دولتی بدلیل سیاست طبقاتی رژیم پهلوی و نداشتن امکانات، در سطح نازل‌تری قرار داشتند. در پایتخت، از مرکز شهر تا جنوب‌ترین نواحی تهران را دربر میگرفتند، با ساختمانهای مخروبه، کلاسهای سفشکافته، فضای تنگ و ناکامی و غیر مجبوز هم از نظر کادر و هم امکانات آموزشی. وضع مدارس دولتی در شهرستانها از این بدتر و در روستاها بدتر از بدتی بود، علاوه بر آنکه دهها هزار روستای ایران فاقد مدرسه بودند و در شهرها تعداد مدارس برای جذب کودکان به سن تحصیل کافی نبود.

انقلاب خلقی‌ما، که به گفته امام خمینی، «انقلاب کوخ‌نشینان» بود، وظیفه داشت که در کنار دگرگونیهای انقلابی در زمینه تعدیل ثروت، کم کردن شکاف طبقاتی و بهبود زندگی طبقات و اقتدار زحمتکش و مستضعف، آموزش طبقاتی را نیز از میان برآورد و امکانات آموزشی را بنحو یکسان در دسترس توده‌ها قرار دهد. در متن این دگرگونی انقلابی، مدارس خصوصی، وصله ناجوری بود که می‌بایست هرچه زودتر برچیده شود، و چنین نیز شد.

یافت سانسف، ولی واقعیت است که اکنون آقای دکتر سجایی به نفع آن اقتدار و طبقاتی سخن میگوید که نمی‌خواهند فرزندندان نازپروردشان در کنار فرزندان کارگران و دهقانان و کارمندان، در یک مدرسه، در یک کلاس، بر روی یک نیمکت و زیر نظر یک معلم تحصیل کنند. اینان برای خود طالب امتیازند و میخواهند به بهای بیساری میلیونها کودک، فرزندان آنها در مدرسه یک یا دو زبان خارجی بیاموزند، میخواهند در جامعه‌ای که کادر آموزشی مجرب به اندازه کافی ندارد، آنچه دارد در خدمت آموزش فرزندان آنان باشد. اینان هنوز به انقلاب باور نکرده‌اند و نمی‌خواهند بفهمند که در کشور انقلاب شد، تا دیگر فرزندان کارگران و دهقانان و کارمندان، بسواد نمانند، دستشان از مدرسه و دانشگاه کوتاه نباشد، یکنواختی و همسانی در آموزش عمومی پدید آید و همه امکانات در یک کاسه ریخته شود و در دسترس همگان قرار گیرد.

آقای دکتر باهنر، وزیر آموزش و پرورش، در قائله این ضرورت میگوید:

«ما گفتیم باید نیرویمان در جهت توزیع عادلانه امکانات باشد... ما نمی‌توانیم دیگر با چشم خاصی به کسی نگاه کنیم. تبعیض‌ها را از بین می‌بریم و اینکه یک مدرسه ملی برای هر دانش‌آموز ۸ متر

کنیدند. در این عملیات تعداد کشته‌های دشمن ۷ تن، زخمی‌های مزدوران صدام ۳۰ تن بوده‌است. به گزارش خیرگزار یارس از کرمانشاه، نبرد در غرب کشور بصورت توپخانه و نه رومیارویی نزدیک و آرامتر از روزهای گذشته گزارش شده است. صدای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «بر پایه گزارشهای رسیده از سرلشکرها و ریجانب در بی حملات کماندوهای عراق به ماموران ژاندارمری در منطقه گدشته گزارش شده است. صدای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «بر پایه گزارشهای رسیده از سرلشکرها و ریجانب در بی حملات کماندوهای عراق به ماموران ژاندارمری در منطقه گدشته گزارش شده است. صدای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «بر پایه گزارشهای رسیده از سرلشکرها و ریجانب در بی حملات کماندوهای عراق به ماموران ژاندارمری در منطقه گدشته گزارش شده است. صدای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «بر پایه گزارشهای رسیده از سرلشکرها و ریجانب در بی حملات کماندوهای عراق به ماموران ژاندارمری در منطقه گدشته گزارش شده است.»

تلفات سنگینی ...

یقه از صفحه ۱

۱۵ تن از نیروهای ارتش عراق به هلاکت رسیدند، ۳- براس آتش توپخانه رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه اهواز، اخودرو، ۲ سترک اجنماعی، ۲ سنکسر مهبات و چند قبضه خمیاره‌انداز و تریار دشمن منهدم و همچنین تعدادی از مزدوران ارتش صدام به هلاکت رسیده و یا مجروح شدند. ۴- برائی آتش توپخانه زمینی در منطقه آبادان ۲ دستگاه فانک، ۱ دستگاه نفر، ۱ دستگاه خودروی نظامی، ۲ سنکسر و یک اتیار مهبات دشمن منهدم و به آتش کشیده شد. همچنین در منطقه دارخوین رزمندگان نیروی زمینی توانستند یک دستگاه فانک و یک دستگاه خودروی سوخت دشمن را منهدم کنند. از تلفات مزدوران دشمن آمار دقیقی تهیه نشده است. ۵- رزمندگان شجاع نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سرحد سه روز ۱۹ آذر ماه در یک عملیات تهاجمی موفقیت آمیز، این ضربات را به نیروهای ارتش عراق در منطقه برزی فکه وارد آوردند: انهدام ۴ دستگاه لودر - انهدام ۴ دستگاه تریلی حامل مهبات - انهدام ۵ دستگاه کامیون - به آتش کشیدن ۲ چادر بزرگ گروهی - همچنین در این عملیات حدود ۵۰ تا ۶۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

ب- رزمندگان نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۹ آذرماه با آتش، آرپی-جی ۷ و تفنگ ۱۰۶ میلیمتری مواضع دشمن را در غرب خویین شهر هدف قرار دادند که در نتیجه ۶ نفر از مزدوران ارتش عراق کشته و یک اتیار مهبات آنها به آتش کشیده شد. ضمناً جسابانزان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۸ آذرماه در جبهه دزفول ۲ دستگاه نفر، یک قبضه خمیاره‌انداز ۶۰ میلیمتری، یک دستگاه تانکر و یک دستگاه کامیون و یک قبضه تریار دشمن را منهدم کردند و ۴ جبهه مهبات سلاح‌های سنگین و یک چادر بزرگ و تعدادی ماسک ضدگاز نیروهای ارتش عراق را به آتش

زمینه تشنج در مدارس خرم‌آباد را از بین ببرید

و پرورش این استان رترو شود. همچنین روش مدیرکل این استان در مدارس سبب شده‌است که ضدانقلاب سره استفاده کند و جو مدارس را متشنج نماید. شرایط حساس در مدارس خرم-ما ضمیم هشدار به مسئولین آباد از بین برود.

طبق اطلاعات رسیده، به دنبال اعلام تصفیه مسلمان در سطح استان خرم‌آباد، اعتراضات از طرف اعضاء انجمن‌های این فرهنگیان در ۴ آذرماه ۵۹ صورت گرفت، که با عکس-العمل ناسنجیده مدیرکل آموزش

اعتراضات معلمان تصفیه شده و خانواده‌های آنان در سطح استان خرم‌آباد، با عکس‌العمل ناصحیح و ناسنجیده مدیر کل آموزش و پرورش این استان مواجه شد.

اعتراضات معلمان تصفیه شده و خانواده‌های آنان در سطح استان خرم‌آباد، با عکس‌العمل ناصحیح و ناسنجیده مدیر کل آموزش و پرورش این استان مواجه شد.

آیا سوسیالیسم، سرمایه‌داری دولتی است؟

سوسیالیسم علمی، از زمان پیدایش تاکنون، با طیف وسیعی از انواع و اقسام مخالفت‌های فکری و فیزیکی، تحریف و توهین، اتهام و ناسزا روبرو بوده است. یکی از انواع این مخالفت‌ها به شکل انکار اختلافات بنیادی و حد و مرز مشخص بین دو نظام اجتماعی سرمایه‌داری و سوسیالیستی صورت گرفته است. مورجین رنکارنگ این گونه "نقد" سوسیالیسم علمی سخت کوشیده و می‌گویند به اصطلاح به انبساط برسانند که گویا چندان اختلافی هم بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم وجود ندارد. سوسیالیسم همان سرمایه‌داری است، که شکل دولتی گرفته است، یا در بهترین صورت، همان سرمایه‌داری انحصاری دولتی است و غیره... این عقیده (انکار مرز مشخص بین دو نظام اجتماعی) مورد بهره‌برداری راست‌ترین تا "چپ‌ترین نیروها و محافل اجتماعی کنونی در مبارزه علیه سوسیالیسم علمی قرار گرفته است.

دست راستی‌ها از این عقیده چنین نتیجه می‌گیرند: پس چرا باید به انقلاب، که در هر حال با تلفات انسانی و ضایعات مادی و هنوی همراه است، دست زد؟! "چی‌ها" هم با "استناد" به همین عقیده می‌گویند: این سوسیالیسم علمی، که از اتحاد شوروی گرفته تا ویتنام و کره شمالی در شرق و غرب کره خاکی ما واقعیت یافته است، سوسیالیسم نیست و لذا در این کشورها (جانب است که در نظر آنها باید در نوبت اول در این کشورها) "انقلاب" (یعنی در واقع ضد انقلاب) رایج شده است.

آنگار دیده می‌شود که در این جا راست و "چپ"، چون دو جهت یک پدیده واحد، یعنی ضد انقلاب، به صورت دودست یک شخصیت یگانه، یعنی مستکبر استعمارگر، عرض‌انداز می‌کند.

ببینیم آیا سوسیالیسم، سرمایه‌داری دولتی است، یا واقعا اختلافات بنیادی و حد و مرز مشخص بین دو نظام اجتماعی سرمایه‌داری و سوسیالیسم وجود دارد؟ از نظر تاریخی چنین است که نظام سرمایه‌داری در نتیجه انقلاب‌های بورژوازی بازمی‌بودن مناسبات فتوادی (ارباب - رعیتی) تولید، به خاطر حاکم ساختن مناسبات سرمایه‌داری تولید بوجود می‌آید. در صورتی که سوسیالیسم در نتیجه انقلاب‌های کارگری و سوسیالیستی (انقلاب کبیر سوسیالیستی) اکثر و پس از جنگ جهانی اول و انقلاب‌های سوسیالیستی در عده‌ای از کشورهای آسیا، اروپا، آمریکا و آفریقا پس از جنگ جهانی دوم، با محور مناسبات سرمایه‌داری تولید و استقرار مناسبات سوسیالیستی تولید بوجود می‌آید.

اساس اقتصادی نظام سوسیالیستی را لگو مالکیت خصوصی بر وسایل عمده تولید و استقرار حاکمیت اجتماعی است. در صورتی که سوسیالیسم (انقلاب کبیر سوسیالیستی) اکثر و پس از جنگ جهانی اول و انقلاب‌های سوسیالیستی در عده‌ای از کشورهای آسیا، اروپا، آمریکا و آفریقا پس از جنگ جهانی دوم، با محور مناسبات سرمایه‌داری تولید و استقرار مناسبات سوسیالیستی تولید بوجود می‌آید.

قانون اصلی تولید سرمایه‌داری کسب اضافه ارزش است. تضاد اصلی سرمایه‌داری، که تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و شکل خصوصی صاحب سرمایه‌داری است، در تضاد بین طبقات اصلی جامعه سرمایه‌داری، یعنی بولتاریا و بورژوازی سرروز می‌کند. هرچ و مرج تولید، بحران‌های دوره‌ای، بیگاری، زمن، فقر، توده‌ها، رقابت و جنگ از مشخصات نظام سرمایه‌داری است. قانون اصلی تولید سوسیالیستی تامین هرچه بیشتر نیاز مندیهای مادی و معنوی دائم‌التزاید خلق است. این امر، از طریق اداره آگاهانه امور اجتماع، طبق نقشه واحد و جامع، که همه رشته‌های عمده تولید مادی و معنوی را تنظیم می‌کند، پیاده

می‌شود. و این چیزی است که در سرمایه‌داری، به سبب وجود مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و رقابت، که زاینده آن است، میسر نیست. شرط اصلی سیاسی در نظام سوسیالیستی سرنگونی حاکمیت بورژوازی (و دیگر طبقات استعمارگر) و استقرار حاکمیت طبقات زحمتکش است، که تاریخ دو شکل عمده آنرا نشان داده است: دیکتاتوری بولتاریا (که در نتیجه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر در اتحاد شوروی تحقق یافت و در تکامل بعدی خود به دولت همه خلق مبدل شده است) و دیکراسی خلقی (توده‌ای) که در کشورهای سوسیالیستی دیگر، پس از جنگ جهانی دوم، پیاده شد. در صورتی که شرط اصلی سیاسی در نظام سرمایه‌داری استقرار حاکمیت بورژوازی (اغلب با شرکت دیگر طبقات استعمارگر) است. برابری سیاسی ظاهری و رسمی که اندیشمندان دولتمردان بورژوازی اعلام می‌کنند، با نابرابری اقتصادی موجود در جامعه سرمایه‌داری از بین می‌رود و همه مائین دولتی به نحوی ساخته می‌شود که توده‌های زحمتکش را از زندگی فعال سیاسی دور دارد.

زندگی جامعه سوسیالیستی بر پایه دیکراسی وسیع، جلب زحمتکشان بنا شرکت فعال در اداره امور دولتی بنا می‌شود. از این رو، دیکراسی سوسیالیستی، هم حقوق اجتماعی، مانند حق کار، استراحت، آموزش و بهداشت همگانی مجانی، تامین درپیری حقوق برابر برای زن و مرد، برای کودکان همه ملیت‌ها و نژادها، هم آزادی‌های سیاسی، مانند آزادی بیان، قلم، مطبوعات، اجتماعات، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را تامین و تضمین می‌کند.

نتایج اجتماعی بنیادی که از شرایط و اصول عمده فوق‌الذکر به دست می‌آید، در نظام سوسیالیستی قبل از هر چیز از میان رفتن طبقات استعمارگر و لگو بهره‌کشی انسان از انسان است. در صورتی که در نظام سرمایه‌داری یک طبقه استعمارگر (بورژوازی شهر و روستا) جای طبقه دیگر استعمارگر (فتوادل‌ها، خانها، اربابان و زمین‌داران بزرگ) را می‌گیرد و نوعی بهره‌کشی (سرمایه‌داری) جای نوع دیگر بهره‌کشی (ارباب - رعیتی) می‌نشیند.

در نظام سرمایه‌داری اختلافاتی که در طول تاریخ به تدریج بین شهر و ده، بین کار فکری (ذهنی) و کار جسمی (یدی) بوجود آمده و رشد یافته است، به حد اکثر می‌رسد و صورت تضادهای اجتماعی به خود می‌گیرد. نظام سوسیالیستی، با لگو مالکیت خصوصی بر وسایل عمده تولید و استقرار حاکمیت سیاسی طبقات زحمتکش، شرایط ضروری و امکانات واقعی برای رفع این تضادهای اجتماعی بوجود می‌آورد و در راه هموار کردن این گونه اختلافات اساسی، آگاهانه و از روی نقشه پیش‌بینی شده قدم به قدم پیش می‌رود.

نظام سرمایه‌داری، طی چهارصد سال تاریخ خود، در حل بنیادی مسئله ملی، قومی و نژادی هیچ‌گاه موفق نیافته است. وضع سیاهان در آمریکا، در آفریقای جنوبی، زدوخورد‌های ملی در اسپانیا (باسک)، در انگلستان (ایرلند)، در کانادا (غیره) چون حل بنیادی این مسئله خود تا به حال مسئله طبقات اجتماعی و مناسبات آنهاست. در نظام سرمایه‌داری با طبقات متخاصم آن (کارگر و سرمایه‌دار، دهقان تهی دست و زمین‌دار بزرگ) مبارزه طبقاتی یک قانونمندی عینی و نیروی محرکه اجتماعی است. در نظام سوسیالیستی که طبقات استعمارگر و متخاصم جای خود را به طبقات دوست و همکار (زحمتکشان شهر و روستا و روشنفکران خلقی) می‌دهند، برای حل بنیادی مسئله ملی شرایط ضروری ایجاد می‌شود و دوستی خلق‌ها، همکاری و همیاری برادرانه ملت‌ها به قانونمندی عینی و نیروی محرکه پیشرفت اجتماعی مبدل می‌گردد. با تشدید روند صدور سرمایه (یکی از مشخصات اصلی امپریالیسم

و سرمایه‌داری انحصاری) و پیدایش شرکت‌های ماوراء ملی و چندملیتی، مدافعی نظام سرمایه‌داری صحبت از "بین‌المللی شدن سرمایه" به میان آوردند. اما به زودی معلوم شد که این نوع شرکت‌ها به آسانی از زیر نظر دولت بیرون می‌روند، در پی سود حداکثر به استراتژی اقتصادی کشور زبان وارد می‌کنند، توازن پرداختها را مختل می‌سازند، روی ساختار اقتصادی تاثیر منفی باقی می‌گذارند، در بودجه دولتی و سیاست قیمت‌ها موثر واقع می‌شوند. به همین سبب نیز نظریه اقتصاددان بورژوازی انگلستان کینز (درباره به اصطلاح "سرمایه‌داری تنظیم شده" توسط دولت) به کلی غلط از آب درآمد. اقتصاددان مترقی شیلی قاسیو نشان داده است که چگونه زیر همین پوشش ظاهر فریب "بین‌المللی شدن سرمایه"، در عرض مدت چهار سال (۱۹۷۸-۱۹۷۴) تنها به حساب ربح اعتبارات، مبلغ ۳۵/۱ میلیارد دلار ثروت آمریکای جنوبی از این قاره به غارت برده شده است، که چندین برابر کل سرمایه‌گذاری پیاده شده در همین دوره بوده است.

"منقدین" می‌گویند که سوسیالیسم سرمایه‌داری دولتی است، و یا سرمایه‌داری انحصاری دولتی است. لیکن سرمایه‌داری دولتی و سرمایه‌داری دولتی در هر حال شکل‌های مختلف سرمایه‌داری هستند، که با ویژگی‌های زیر مشخص می‌شوند:

۱- تبدیل اقتصادهای جداگانه سرمایه‌داری خصوصی به اقتصادهای دولتی،

۲- برقراری نظارت معین دولت بر زندگی اقتصادی، ولی هیچ‌یک از این دو ویژگی، مشخصات اصلی و کلی سرمایه‌داری را تغییر نمی‌دهند. از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، بهره‌کشی انسان از انسان، تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و شکل خصوصی صاحب سرمایه‌داری بهره‌کشی گرفته، تا تضاد بین شهر و ده، بین کار فکری و جسمی، اختلافات و تنازعات قومی، ملی و نژادی و غیره، همه و همه این خصائص به این دو شکل سرمایه‌داری نیز مربوط می‌شوند.

البته از لحاظ تاریخی، در مرحله پیش از سرمایه‌داری انحصاری (تا اواخر قرن ۱۹) سرمایه‌داری دولتی به تدریج روند تجدید تولید سرمایه‌داری خدمت می‌کرد (در بعضی کشور های کم‌رشد کنونی نیز می‌توان به این حالت برخورد کرد).

در دوران امپریالیسم، سرمایه‌داری انحصاری دولتی بوجود می‌آید که خصوصیت عمده آن پیوند بزرگ‌ترین انحصارات با دستگاه دولتی بورژوازی است. سرمایه‌داری انحصاری دولتی بالاترین پله اجتماعی شدن تولید در جامعه طبقاتی، در نظام سرمایه‌داری است. از نقطه نظر همین بالاترین پله اجتماعی شدن تولید "کامل‌ترین تدارک مادی سوسیالیسم" می‌نامد (تاکید از لنین است). به عبارت دیگر:

اولا این تدارک سوسیالیسم است، نه خود سوسیالیسم. ثانیا این تدارک تدارک مادی سوسیالیسم است، و سوسیالیسم تدارکات دیگر سیاسی، اجتماعی، اندیشه‌ای و غیره نیز دارد. سرمایه‌داری انحصاری دولتی مرحله رشدی متمایز از امپریالیسم نیست. و برخلاف آنچه بعضی "منقدین" ادعا می‌کنند، به معنای "فرارویی مسالمت آمیز سرمایه‌داری به سوسیالیسم" نیست، زیرا طبیعت سرمایه‌داری را عوض نمی‌کند. تضاد بین کار و سرمایه را مرتفع نمی‌سازد، رقابت، هرج و مرج تولید، بحران‌های اقتصادی، تورم پول، بیگاری و زمن و... را از بین نمی‌برد. در سمپوزیوم بین‌المللی، کسال گذشته به بررسی بعضی ویژگی‌های گسترش امپریالیسم در دوران حاضر مشغول بود، محقق انگلیسی و آلمون نشان داد که مجتمع‌های غول‌آسای انحصاری باجه سرعت زیادی رشد می‌کنند: ۵۰ درصد از کل محصول صناعی را که بیش از جنگ جهانی اول تقریبا ۲ هزار موسسه تولید

می‌کرد، اکنون کمتر از ۱۵۰ کارخانه تولید می‌کند. در سال ۱۹۷۰ در انگلستان ۴۱ درصد در آمریکا ۳۳ درصد از محصول خالص سالانه را فقط ۱۵۰ موسسه کلان تولید می‌کردند.

محقق آمریکایی پیتمان به فعالیت تقریبا ۱۵ میلیون موسسه مختلف در آمریکا اشاره کرده گفت: مدافعیین سرمایه‌داری، آمریکا را "بهشت رقابت آزاد" قلمداد می‌کنند. در صورتی که نقش حاکم در زندگی اقتصادی آمریکا را فقط ۱۵۰ انحصار غول آسا بازی می‌کنند. این مجتمع‌های عظیم صنعتی - مالی و صنعتی - نظامی اند که سمت عملکرد سیاسی و نظرات سیاست خارجی واشنگتن را تعیین می‌کنند. در عین حال این دو رقم، یعنی ۱۵ میلیون موسسه مختلف در کنار ۱۵۰ مجتمع غول آسا، بار دیگر صحت و دقت گفته لنین را درباره مهم‌ترین خصوصیت ماهوی امپریالیسم معاصر تایید می‌کند که

"مهم‌ترین خصوصیت ماهوی امپریالیسم معاصر را نه "انحصارات خالص"، بلکه انحصارات در کنار مبادله، بازار، رقابت و بحران‌ها تشکیل می‌دهد." (کلیات، جلد ۲، ص ۱۴۵)

سرمایه‌داری انحصاری دولتی به عوض تحکیم سرمایه‌داری، آن را متزلزل می‌کند، تضادهای اصلی و درونی آن را عمیق‌تر و شدیدتر می‌کند، محور کامل آن را نزدیک می‌کند. به همین سبب نیز سرمایه‌داری دولتی در کشورهای کم رشد، را، که می‌تواند در آنجا نقش معین مترقی ایفا کند و به اعتلای اقتصادیات و تحکیم استقلال ملی کمک کند، باید از سرمایه‌داری انحصاری دولتی (امپریالیسم) که استعمار زحمتکشان را تشدید می‌کند، جنبش‌های کارگری و نهضت‌های رهایی بخش ملی را سرکوب می‌کند...

کامل‌تر تمیز داد. در ارزیابی سرمایه‌داری دولتی در این یا آن کشور، باید در نظر گرفت که به سود چه نیروی اجتماعی از آن استفاده می‌شود: به نفع انحصارات یا به سود خلق. در شرایطی که حاکمیت سیاسی در دست زحمتکشان است و سرمایه‌داری دولتی ساختار اقتصادی عمده و برتر نیست، این سرمایه‌داری دولتی مضمون دیگری کسب می‌کند، زیرا تحت نظارت طبقه کارگر قرار می‌گیرد و برای ترقی تولید بزرگ مورد استفاده واقع می‌شود. به همین علت است که لنین می‌گوید: گذار به جامعه نوین بی‌طبقه از طریق سرمایه‌داری دولتی نیز ممکن است، به شرط آنکه قدرت سیاسی در کشور در دست طبقه کارگر باشد.

سرمایه‌داری دولتی را نباید با هر گونه مداخله دولت در امور اقتصادی در یک ردیف گذاشت. تجربه خیلی از کشورهای در حال رشد (الحزب، لیبی، سوریه، آنگولا، اتیوپی و غیره) نشان داده و پژوهش‌های علمی به ثبوت رسانده است که نمی‌توان گفت بخش دولتی در همه کشورهای در حال رشد، چیزی جز ساختار سرمایه‌داری دولتی نیست. بخش دولتی در این نوع کشورها، که از روابط مالکیت آغاز می‌شود، به همین جا خاتمه نمی‌یابد. معمولا از طریق ملی کردن عده‌ای از موسسات و رشته‌های تولیدی، از راه تشکیل تعاونی‌ها در رشته‌های دیگر اقتصادی و غیره، دولت مستقیما نقش "کارفرما" را ایفا می‌کند. اغلب "کارفرمای جمعی" را به عهده می‌گیرد. بدین ترتیب بخش اقتصاد دولتی بوجود می‌آید، که بطور عمده موسسات تولیدی متعلق به دولت (صنایع دولتی یا مخطط، کشاورزی و دامداری، بازرگانی، ترابری، ارتباطات و غیره) را در برمی‌گیرد. این بخش، در کشورهای مختلف، شکل‌های مختلف و ویژگی‌های گوناگون دارد. اما از لحاظ روند تاریخی رشد جامعه می‌توان همه این شکل‌ها و ویژگی‌ها را در دو تمایل، با دوسمتم عمده، گروه‌بندی کرد. منبای اصلی و معیار کلی این گروه‌بندی، نقشی است که دخالت دولت در بازسازی

مناسبات مالکیت ایفا می‌کند: ۱- اگر دخالت دولت در امور اقتصادی مستقما در خدمت تجدید تولید سرمایه خصوصی در مقیاس کل جامعه قرار گیرد، ما با سرمایه‌داری دولتی روبرو هستیم، که جامعه را در راه سرمایه‌داری همه مشخصات اصلی آن سوق می‌دهد. ۲- اگر دولت با استفاده از موقعیت اقتصادی خود به مثابه "کارفرمای جمعی"، همچنین به وسیله ارگان‌های مدیریت (اداره دولتی) بویژه با تابع کردن کارفرمایان خصوصی، بخش مهم منابع دولتی را تحت کنترل خود تولید، بلکه به قلمرو غیر تولیدی اقتصاد ملی اختصاص دهد، جامعه می‌تواند در راهی غیر از راه رشد سرمایه‌داری پیش رود. در صورتی که قدرت دولتی در دست خلق باشد، محدودیت تدریجی قلمرو فعالیت سرمایه خصوصی و گسترش پیوسته بخش دولتی، به مددی که به عامل اساسی رشد اقتصادی کشور و پایه مادی حاکمیت سیاسی بدل شود، می‌تواند شرایط لازم جهت گذار به جامعه بدون طبقات متخاصم و آزاد از بهره‌کشی انسان از انسان را فراهم سازد. در غیر این صورت، روند لاینقطع اقتصادی تجدید تولید وسیع سرمایه خصوصی ضرورتا روند اجتماعی تجدید تولید طبقات متخاصم را در پی خواهد داشت و هرگونه تمایل به استقرار عدالت اجتماعی و بنای جامعه بی‌طبقه در بهترین صورت تنها آرزویی خیر-خواهانه باقی خواهد ماند.

سرمایه‌داری در همه اشکال گوناگون (خصوصی، دولتی، انحصاری) در هر حال سرمایه‌داری است، با همه پلیدی‌ها و فسادهایش، با همه مظلومی و اجتماعی‌اش، جامعه بشری جز با حرکتی انقلابی، یعنی تغییر بنیادی و تحولی کیفی نمی‌تواند از سرمایه‌داری خلاص شود. "فرارویی سرمایه‌داری به سوسیالیسم" همان قدر بی‌معناست که یسکان قلمداد کردن این دو صورت بندی اقتصادی - اجتماعی و انکار اختلافات اساسی و حد و مرز مشخص بین آنها. سرمایه‌داری که در قرن ۱۶ میلادی بوجود آمد، در گسترش جامعه نقش مترقی ایفا کرد و به نحوی قابل توجه میزان بهره‌دهی کار را نسبت به فتوالیسم بالا برد. اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ سرمایه‌داری به مرحله عالی خود امپریالیسم قدم گذاشت، که با تسلط انحصارات و الیگارش (حاکمیت گروه کوچک) مالی مشخص می‌شود. در این مرحله، سرمایه‌داری انحصاری دولتی به شدت گسترش می‌یابد، که نظامی‌گری و پیوند قدرت انحصارات با نیروی دولتی را به طرز بی‌سابقه تشدید می‌کند. با نخستین جنگ جهانی و پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر، بحران عمومی سرمایه‌داری آغاز شد. جنگ جهانی دوم و انقلاب‌های سوسیالیستی در یک سلسله از کشورهای جهان، دومین مرحله این بحران عمومی را نشان داد. از نیمه دوم سال‌های ۵۰ قرن ۲۰ میلادی، مرحله جدید بحران عمومی سرمایه‌داری آغاز شد. خصوصیت این مرحله جدید این است که با جنگ جهانی بستگی ندارد، بلکه با شروع تغییر تناسب قوا در صحنه بین‌المللی، گسترش بی‌سابقه جنبش‌های رهایی بخش ملی و ضد امپریالیستی، اضمحلال سیستم استعماری امپریالیسم و... مربوط است. حداکثر فساد سرمایه‌داری در عمده ترین کشور سرمایه‌داری معاصر، آمریکا، بروز می‌کند. سرمایه‌داری معاصر به خصم منافع حیاتی و مساعی مترقی همه بشریت مبدل شده است. به همین دلیل گفته‌اند:

با سرمایه‌داری "دوران ماقبل تاریخ بشر" به پایان می‌رسد. با سوسیالیسم بشریت به بنای آگاهانه همه خلق‌ها، علی‌رغم تلاش‌های مدافعیین رنگارنگ نظام سرمایه‌داری، نقش شایسته خود را در ساختمان جامعه آزاد از هرگونه ستم ملی و اجتماعی ایفا می‌کنند.

کارگران بخاری ساز:

این جنگ از طرف امریکابه ما تحمیل شده است

کارگاهها بیمه نیستند و ما هم نمیتوانیم اینکار را بکنیم. این مسئله برای ما خرج گزافی در بر دارد. بعضی از کارگران این کارگاه مزدی کمتر از حداقل دستمزدهای مصوب وزارت کار و بیمه اجتماعی دریافت می کنند. هاشم زینالی در این مورد میگوید:

"بعضی از این کارگرها در کارشان حرفه ای نیستند و تازه به این کار وارد شده اند و نمیتوان دستمزد یک کارگر ماهر را به آنها داد." وی در مورد بهتر شدن شرایط کار و بالا رفتن تولید میگوید:

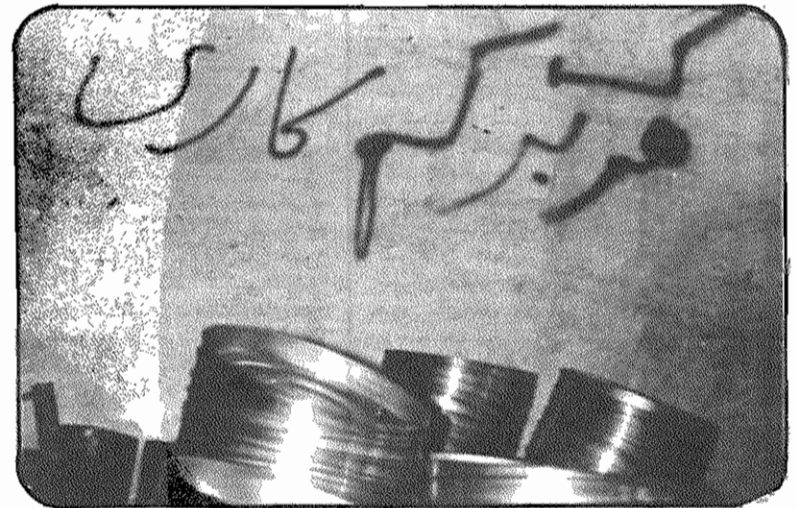
با شروع فصل زمستان یکی از ضروریترین وسایلی که باید تهیه شود، بخاری است. اما بخاری سازان به علت مشکلاتی که دارند، نمیتوانند آنچنانکه لازم است بخاری بسازند و این درحالیست که بازار با کمبود بخاری مواجه است.

به چند کارگاه بخاری سازی تبریز رفتیم و با کارگران آنها به گفتگو نشستیم. حسین عبدالهی، استادکار کارگاه ممتاز، در مورد مشکلات میگوید:

مواد اولیه اصلی ما ورق آهن است. این ورقها را از ژاپن و بلغارستان وارد می کنند و ما آنها را واسطه ها و دلانها و دیگر واردکنندگان آهن و ورق میخریم. این واردکنندگان یک ماه قبل پول آن را از ما میگیرند و بعد از مدتی با قیمتی گرانتر به ما میفروشند. قیمت مواد اولیه بسرت با لامبرود، سیم برنجی هم پیدانمی شود و ما ناچار از خرده فروشیها میخریم، آنها با قیمت هر کیلو ۷۰ تا ۸۰ تومان، که قبلا آنها کیلویی ۲۸ الی ۳۵ تومان می خریدیم. در مقابل این کمبودها و مشکلاتی که داریم، امسال مشکل دیگری نیز بر مشکلات ما افزوده شده و آنهم به علت جنگ رژیم عراق با ملت ایران است که باعث کمبود نفت و در نتیجه رکود بازار بخاریهای نفتی است. مثلا امسال به علت کساد بازار، من ناچار شدم فقط یک کارگر از ۴ کارگر را که در سابق اینجا کار می کردند، نگاه دارم. البته یکی از این کارگران خودش به جبهه جنگ رفته است.

به کارگاه سولمازمیرویم و با مسئول کارگاه، هاشم زینالی، به صحبت می نشینیم.

"من فکر می کنم دولت باید واردات و صادرات کالاها را در دست بگیرد و کارخانه ها را در اختیار داشته باشد. چون این کار هم بنفع کارگران است و هم بنفع دولت، می بینید که اگر یک کارگر دوروز بیمار شود و سرکار نیاید، پولی



نخواهد گرفت. ولی اگر کارخانه و کارگاهها در دست دولت باشد آنوقت کارگر اگر مریض هم شود، مطمئن خواهد بود که از مزایای دولتی برخوردار است حقوق خود را میگیرد و اجراج نخواهد شد.

در مورد تجا و نظایم رژیم صدام نیز اضافه می کند:

"این جنگ تحمیلی است و ما باید بجنگیم، چون این جنگ از طرف آمریکا به ما تحمیل شده است."

با یکی دیگر از کارگران این کارگاه صحبت می کنیم. ابراهیم بابازاده تا سال دوم دبیرستان تحصیل کرده

وی درباره مشکلات کارچنین میگوید:

"از جمله مشکلات بعد از انقلاب، گرانی و کمبود مواد اولیه است. قیمت اجناس حداقل ۵۰٪ افزایش یافته است. مثلا ورق روغنی را قبلا ۴۰ ریال می خریدیم، ولی حالا ۷۰ یا ۸۰ ریال میخریم، و ورق سیاه را قبلا ۷۰ ریال می خریدیم، ولی حالا ۹۰ ریال شده است. پول که برنجی هم پیدا نمی شود."

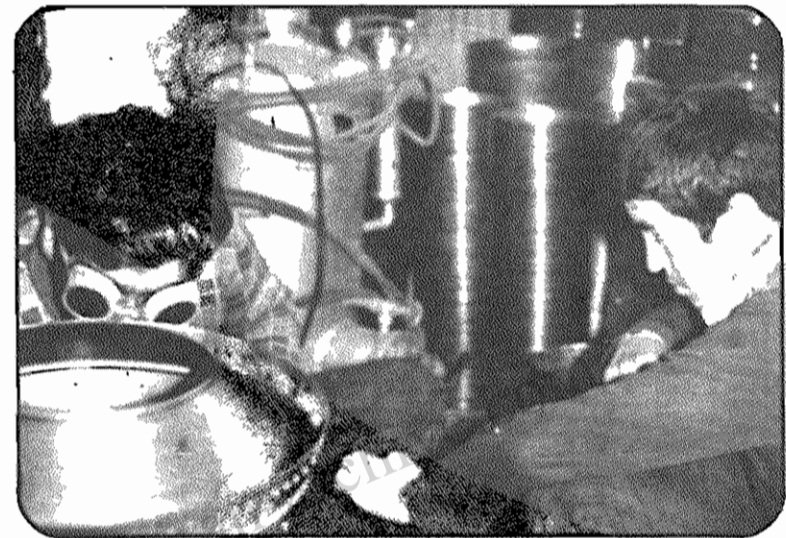
وی سپس اضافه می کند:

"ما دستمزدها را بر اساس میزان تعیین شده وزارت کار می پردازیم. کارگران اینگونه

بارفع کمبود مواد اولیه. مشکلات بخاری سازها را می توان حل کرد

است و ۴ ماه است در این کارگاه کار می کند و روزانه ۴۵ تومان دستمزد می گیرد. وی در مورد مشکلاتش چنین میگوید:

"مشکل اصلی ما کمی دستمزد است. با این دستمزد، کارگری



کارگران: با ملی کردن بازرگانی خارجی، پارسنگینی از دوش زحمتشان برداشته میشود.

که زن و بچه داشته باشد، نمیتواند تا مین معاش کند. دولت باید برای تامین مستضعفان و برای کوتاه کردن دست سرمایه داران، کارخانه ها را ملی کند و برای کوتاه کردن دست واسطه ها و دلان از دسترنج زحمتکشان، باید بازرگانی خارجی ملی شود."

وی در مورد جنگ تجا و نظایم رژیم صدام علیه ایران میگوید:

"این جنگ از طرف رژیم صدام حسین بر ما تحمیل شده است، که فقط به نفع امپریالیسم و صهیونیسم است و ما آتش بس را نخواهیم پذیرفت، تا اینکه آنها به سر جای اول خود برگردند."

با کارگر دیگری به نام محمدعلی عزتی، دبیلمه، که یک ماه ونیم است در این کارگاه کار می کند، صحبت می کنیم. محمدعلی در مورد مشکلاتش میگوید:

"از آنجائیکه دولت در حال حاضر کسی را استخدام نمی کند، من هم ناچارم با روزی ۴۵ تومان در اینجا کار بکنم. دولت باید فکری جدی برای دبیلمه های بیکار بکند و آنها را در کارهای تولیدی و صنعتی و کشتا و رزی جذب کند و با آنها راه روستاها را برای انجام خدمات بهداشتی و آموزشی اعزام دارد."

وی در مورد جنگ تجا و نظایم رژیم صدام علیه ایران میگوید:

"صدام وابسته به امپریالیسم است و به دستور امپریالیسم آمریکا به کشور ما حمله می کند و همه ما، از هر ایدئولوژی و مرامی که داریم، باید بر علیه تجا و نظایم بیگانه متحد و یکپارچه عمل

سندیکای کارگران کتابفروش:

باید تمام کارگران کتابفروش بیمه شوند!

سندیکاهای کارگران کتابفروش و انبارهای مربوطه طی اطلاعیه ای به تاریخ ۵۹/۸/۲۶ میگویند:

"درود به تمام شهدای جبهه خونین جنوب و غرب کشورمان!"

درود به کارگرانی که در صفوف مقدم جبهه در کنار یاران رزمنده خویش در جنوب و غرب خونین میهن مان با تمام نیروی خویش از استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنند و در این مقطع از زمان، که آمریکای جهانخوار و جنایتکار به وسیله رژیم فاشیستی و ضد مردمی بعث عراق می خواهد به انقلاب اسلامی ما ضربه بزند، از نثار جان خویش برای پیروزی انقلاب درین نمی نمایند.

درود به تمام کارگرانی که در پشت جبهه برای پیروزی انقلاب اسلامی و شکست محاصره اقتصادی آمریکا در کارخانه ها و کارگاهها به تولید بیشتر منقول می باشند تا سوز آمریکا و جنایتکار و رژیم فاشیستی عراق را به خاک بمانند.

دوستان کارگر! شورای عالی تامین اجتماعی در جلسه مورخ ۱۳۵۹/۷/۱۲ راجع به بخشودگی قسمتی از حق کارگران (بیمه) - سدگان) و کارفرمایان کارگاههای کوچک صنفی که شامل صنف ما (کتابفروشی) نیز می شود لایحه ای تصویب کرد، که به اطلاع شما کارگران می رسانیم، تا از این پس طبق این قانون، حق بیمه از حقوق شما کسر گردد.

۱- از تاریخ اول فروردین ۱۳۵۸، ۹٪ مجموع حق بیمه به نسبت ۲٪ سهم کارگر (بیمه شده) و ۷٪ سهم کارفرما به طور مشروط بخشوده گردیده است. بدین ترتیب حق بیمه مزدبگیران این اصناف ۱۸٪ خواهد بود که ۵٪ سهم کارگر (بیمه شده) و ۱۳٪ سهم کارفرما می باشد.

۲- کارفرمایان مکلفند صورت مزد یا حقوق، همچنین حق بیمه متعلقه هر ماه را، حداکثر تا آخرین روز دو ماه بعد به سازمان بیمه های اجتماعی ارسال و پرداخت نمایند و چنانچه در تسلیم صورت مزد یا حقوق و پرداخت حق بیمه هر ماه، بیش از دو ماه

کنیم، اسما عیل خیری ۴ سال است در این کارگاه کار می کند و ۴۵ تومان مزد می گیرد و در مورد جنگ تجا و نظایم علیه ایران اظهار داشت:

"در این شرایط که صدام یزید به کشور ما حمله کرده است همه وظیفه داریم که با جنگ و دندان از کشور دفاع کنیم و بیشتر کارکنیم و تولید را بالا ببریم."

مقررین با یکی دیگر از کارگران نیز، ضمن اشاره به تجا و نظایم رژیم صدام علیه ایران می گویند و تاکید بر وظایف ایرانی میهن دوست در دفاع از جمهوری اسلامی ایران، از همه مردم ایران می خواهد که وحدت و همبستگی خود را از هر مسلک و مرامی که هستند، حفظ کنند تا آمریکا نتواند هیچ غلطی بکند.

برای حل مشکلات کارگران و همچنین کارگاههای بخاری سازی باید راه حلها و اقدامهای قطع و لازم را انجام داد. افزایش

تاخیر نماید موضوع بخشودگی حق بیمه همان ماه منتفی بوده و از لحاظ میزان خسارت بیمه، برای آن ماه، مکلف به پرداخت حق بیمه مقرر در ماده ۲۸ قانون (۲۷٪) و خسارات موضوع ماده ۹۸ و ۱۰۰ قانون خواهند بود.

۳- کارفرمایانی که حق بیمه کارگران خود را از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ تا کنون پرداخت ننموده اند، موظفند حق بیمه مربوطه را ظرف ۶ ماه از تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۲ با استفاده از نرخ اخیر پرداخت نمایند چنانچه ظرف مدت مذکور حق بیمه معوقه را پرداخت ننمایند از لحاظ پرداخت حق بیمه خسارت مربوطه، مشمول مقررات کلی قانون تامین اجتماعی (نرخ ۲۷٪ و سایر خسارتهای) خواهند بود. بدیهی است در صورتی که برخی از کارفرمایان حق بیمه کارگران خود را از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ به بر اساس نرخ ۲۷٪ پرداخت نمود، با شش ماه به التفاوت حق بیمه پرداختی آنان محاسبه و به حساب بستانکار کارگاه برای ماه های آتی منظور خواهد گردید. ما از کارگران صنف خود

می خواهیم تا اگر حق بیمه از این ماه مثل ماه های قبل، یعنی ۷٪ از حقوق آنها کسر گردید، به کارفرمای خود تصویب این لایحه را تذکر دهند. و کارگرانی که بیمه می باشند، ولی کارفرما حق بیمه را از حقوق آنها کسر و به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نمی نماید، به کارفرمای خود تذکر این لایحه قانون و پرداخت حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی را بدهند و از کارگرانی که هنوز بیمه نشده اند، می خواهیم هر چه زود تر به سندیکای ما مراجعه کرده تا جهت بیمه شدن آنها اقدام کنیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا! ناپود باد رژیم جنایتکار و ضد مردمی صدام حسین خائن! کارگران متحد همه چیز کارگران متفرق هیچ چیز! نامه مردم:

ما به کارگران کارگاههای نظیر توصیه می کنیم که مراتب فوق را در نظر بگیرند و برای دفاع از حقوق خود در قبال تعدی کارفرمایان، از طریق سندیکاهای خود اقدام کنند.

بیرویه قیمتها پس از پیروزی انقلاب یکی از حیللهایی است که فدائیان انقلاب از آن استفاده می کنند. بالا رفتن قیمتها بر نارضایتیها دامن میزند دولت باید از طریق در اختیار گرفتن سیستم واردات و صادرات کشور در مورد کالاهای ضروری، از افزایش بیرویه قیمتها جلوگیری کند و کالاهای نازلترین قیمت در اختیار تولیدکنندگان قرار دهد.

کارگران این کارگاهها نیز طبق ضوابط قانون کار باید مزد دریافت کنند و بیمه شوند. قانون کار حداقل حقوقی را که برای کارگر ساده (کارگری که بدون داشتن کمترین مهارتی نیروی کار خود را در اختیار کارفرما می گذارد) ۶۳۵ ریال تعیین کرده است، درحالی که کارفرماها بهانه می آورند که کارگر بدون تخصص و مهارت باید کمتر از حقوق تعیین شده بگیرد. ضروری است این قانون بطور کامل و با قاطعیت تمام به اجرا درآید.

دهقانان
مهربان همدان:

ما که برای میهن و انقلاب جان و نان خود را می دهیم

مردمی مهربان در دهستان مهربان (شهرستان همدان) زندگی می‌کنند ولی تاکنون بر اثر سلطه طاغوت و فشار بزرگ مالک از مهربانی زندگی بی نصیب بوده‌اند. ما امروز همسراه یکدیگر به چهارده از این دهستان می‌رویم تا بارنج‌ها و فداکاری‌ها، گذشته‌های تاریک و امیدهای تابناک به آینده آشنا شویم و از نزدیک ببینیم این دهقانان تا چه حد برای دفاع از انقلابشان آمادگی دارند و تا چه اندازه ضروری و حیاتی است که بزرگ‌ترین مسئله آنان - حاکمیت و مالکیت زورگویانه و غاصبانه مالکین بزرگ - حل شود. آنها آماده‌اند در سنگر جنگ و در کشتزار پشت جبهه هر گونه فعالیت را انجام دهند. با قرای کتیو - قطار قوی - سراجوق - چکنلو آشنا شویم:

کتیو

قریه کتیو از دهستان مهربان شهرستان همدان، دارای ۱۳۵ خانوار میباشد که از این تعداد حدود ۱۲ خانوار آن خوش‌نشین‌اند. جمعیت این ده به ۶۷۰ نفر می‌رسد. موقعیت این ده از لحاظ جغرافیایی کوهستانی جلگه‌ای است و فاصله آن تا همدان حدود ۷۵ کیلومتر است. مالک این ده در حدود ۱۱۰ هکتار زمین داشته است، دهقانان می‌گویند وی این ۱۱۰ هکتار را تبدیل به ۸۵ هکتار کرده است و در سند دارای ۸۵ هکتار است. بدین ترتیب که مالک هر روز به ۱۱۰ هکتار زمین خود اضافه می‌کرده تا این که ۸۵ هکتار را تصاحب نموده است. مالک برای این که بجای ۱۱۰ هکتار زمین ۸۵ هکتار را تصاحب کند گذاشته به دهقانان سند بدهند. دهقانان مضطرب می‌خواهند که هیئت هفت نفری فکری به حال آنها کند. آنها می‌گویند: هیئت واگذاری زمین به اینجا آمده و دیگر بازنگشته‌اند، ما حتی به تهران

رفته و از دست مالک شکایت کرده‌ایم ولی تا به حال جوابی نشنیده‌ایم. مالک ده آشکارا تصرف عدوانی و سند سازی کرده و کلیه زمین‌ها طبق سند به مال خود دهقانان باید باشد. یکی از دهقانان می‌گفت اگر زمین‌ها را به نام ما می‌کردند و سند می‌دادند حداقل می‌توانستیم از کمیابین و تراکتور استفاده کنیم ولی چون سند نداریم که بگذاریم گروه ما اجازه نمی‌دهند از کمیابین و تراکتور استفاده کنیم. چنانکه از نبودن بذر برای کاشتن روستایان بسیار ناراحت هستند، یک مقدار از زمین - ها نکاشته باقی مانده است. این مطلب نشان می‌دهد که عمل هیئت ۷ نفری می‌توانسته مستقیماً تاثیر مثبت در تولید داشته باشد. از نظر آب این روستا کمبود دارد و آب برای کشاورزی نیست و دهقانان مجبورند بیشتر کار می‌کنند. دهقانی می‌گفت: بعلاوه کمبود زمین و آب حتی ما مجبوریم سبب زمینی و پیاز و یونجه را از شهر خریداری کنیم.

در این قریه یک باب مدرسه وجود دارد که تا کلاس پنجم ابتدایی است و بچه‌ها برای خواندن درس مجبورند ۱۲ کیلومتر راه بیایند تا به گل تپه برسند و در آنجا به کلاس راهنمایی بروند. وضع عمومی ده بسیار خراب و از لحاظ بهداشتی در مضیقه هستند.

اهالی ده به خاطر وضع کنونی و جنگ ایران با رژیم آمریکایی صدام به مقدار یک وانت بار نان و پنیر برای جنگ زده‌ها کمک کرده‌اند. همچنین منقعی خدمتان ۵۶ این ده خود را معرفی کرده‌اند تا به جبهه بروند. دهقانان ده آماده جان بازی در جبهه جنگ و فداکاری در سنگر تولید و کشت بیشتر هستند. آنها از جان و مال و نان خود برای میهن انقلابی خویش مایه می‌گذارند.

با توجه به وضع حساس جنگی کشور و همچنین وضع خود روستای قریه کتیو، حق است که هر چه زودتر هیئت واگذاری زمین به این ده رفته و کار تقسیم را انجام دهند تا این دهقانان زحمتکش در تولید هر چه بیشتر کوشا باشند. اینجا جزو مناطق مساعد برای فعالیت فوری هیئت است. برجهاد سازی این نهاد انقلابی است که به این روستا رفته و نسبت به حفر چاه و راه و حمام برای روستایان اقدام لازم را به عمل آورند. و نیز اداره کشاورزی استان همدان باید بذر در اختیار این روستایان بگذارد تا به ندرت ناایر هرگز می‌شان اما مضمینی در جهت تولید بیشتر لیبیک گویند و درجهاد کشاورزی فعالانه بکوشند و توطئه‌های آمریکا را یکی بعد از دیگری درهم بشکنند.

قطار قوی

قریه قطار قوی از توابع دهستان مهربان، در شمال غربی استان همدان به فاصله ۸۰ کیلومتری از همدان و دارای ۲۵۰ خانوار است که از این تعداد ۴۳ خانوار خوش‌نشین‌اند. جمعیت این ده حدود ۱۸۰۰ نفر است. موقعیت این ده از لحاظ جغرافیایی جلگه‌ای است مالک این قریه دارای ۲۶۵ هکتار زمین دیمی است. زمین - های این مالک در تاریخ ۱۲/۸/۵۹ به وسیله جهاد سازندگی و سپاه پاسداران بین ۴۳ نفر خوش‌نشین تقسیم شد که ملاک این تقسیم بر اساس میبزان دارایی و زن و فرزند هر خانوار بوده است. لازم به تذکر است که این تقسیم فقط برای کشت سال جاری است که زمین‌ها نکاشته باقی مانده باشد. اهالی ده خواستار تعیین تکلیف قطعی هستند تا اختلاف بوجود نیاید. زیرا دهقانان اگرچه خواستار واگذاری ولی می‌گویند که ما خواستار واگذاری زمین به شکل قانونی و قطعی هستیم و

اگر هیئت تمام زمینها را هم به خوش‌نشین‌ها بدهد قبول می‌کنیم. دهقانان به درستی برچیدن بساط مالک بزرگ را مسئله اصلی میدانند و معتقدند می‌توانند برادر وار، کنار هم کار و زندگی بکنند. وضع راه این ده خراب است، همچنین حمام در این ده به صورت خزینه است. میزان آب بسیار کم است به طوری که مردم برای آب آشامیدنی مجبورند ۴ کیلومتر پیاده روی کنند و البته برای رفتن به حمام هم باید از این شمشه آب آورده و خزینه را پر کنند و بعد به حمام بروند. در این قریه از بهداشت خبری نیست و اگر کسی مریض شود باید به همدان بیاید مردم این قریه نیز به مانند سایر مردم ایران به مناسبت جنگ ایران با رژیم آمریکایی صدام بچه‌های خود را برای جنگ به جبهه فرستاده‌اند. همچنین اهالی این ده به مقدار یک وانت بار نان و پنیر برای جنگ زدگان کمک کرده‌اند. با توجه به وضع عمومی ده، حق است که هر چه زودتر اقداماتی در جهت رفاه این پیروان راستین انقلاب به شرح زیر صورت گیرد.

۱- برهیئت واگذاری زمین است که هر چه زودتر کار واگذاری را به صورت قانونی به انجام رساند تا اختلاف در این ده نباشد. ۲- اداره راه و جهاد سازندگی باید به وضع راه و حمام این ده رسیدگی و آن را اصلاح نماید. ۳- برجهاد سازندگی و اداره آبیاری است که هر چه زودتر به وسیله ایجاد چاه عمیق در این ده آنها را از این وضع بی‌آبی نجات دهد.

سراجوق

قریه سراجوق از توابع دهستان مهربان در فاصله ۹۰ کیلومتری استان همدان و در شمال غربی این استان قرار گرفته است. این قریه دارای ۲۸۰ خانوار میباشد که از این تعداد حدود ۸۰ خانوار آن خوش‌نشین و بقیه کشاورزند. جمعیت آن حدود ۱۵۰۰ نفر است. موقعیت این ده از لحاظ جغرافیایی کوهستانی است. مهمترین مسئله‌ای که در این قریه مطرح است مسئله مالک و مالکیت است. دو مالک این ده حدود ۲ هزار هکتار زمین دارند کلیه زمین‌های آبی در مالکیت بزرگ مالک است. این مالکین در حال حاضر در این دهکده مشغول توطئه هستند. دهقانان می‌گویند که آنها شایعه می‌اندازند که پسر شاه معدوم بزودی به ایران می‌آید و این حکومت از بین میرود. همچنین می‌گویند که این شخص با شیخ مزالدین حسینی رابطه دارد و با او متفق است. توطئه است و نیز این مالک بوسیله زدن چاه آب قنات اهالی را گرفته و می‌گویند اگر به مالک حرف بزنیم او حتی در دوره انقلاب ما را می‌زند و ما مجبوریم فرار کنیم. همچنین زمین مدرسه را گرفته و تبدیل به آسیاب کرده است اهالی تا بحال چندین مرتبه از دست مالک بزرگ به دادگستری - دادگاه انقلاب و بسیاری جاهای دیگر شکایت کرده‌اند ولی می‌گویند که از نتایج زیادی در ادارات برخوردار بوده و از سرمایه داران و فئودال‌های معروف است. اینست نمونه‌ای از بزرگ مالکی طرفدار طاغوت، توطئه‌گر، شایعه‌انداز، زورگو و غارتگر که ادامه وجودش با انقلاب ما مغایر است و باید ریشه کن شود. اهالی این قریه متأسفانه نتوانسته‌اند شورای ده مردمی داشته باشند تا برفع مشکلات آنها کمک کند. اعضا شورای ده که از خانواده‌های مرفه روستا هستند توجه لازم را بمسائل نداشتند و در زمینستان بسته می‌شود. از لحاظ آب به خصوص آب آشامیدنی مردم در مضیقه اند و می‌گویند مالک تمام آب‌ها را برده است. چون زمین مدرسه بوسیله مالک گرفته شده است و مدرسه فعلی بسیار خراب

از مالک غارتگر، زمین و حق خود را خواهیم گرفت

است. معلمین مدرسه هم از وضع مدرسه بسیار ناراحتند و رفته‌اند. در شرایط فعلی مملکت و جنگ ایران با رژیم صدام امریکایی اهالی این قریه به مانند سایر روستاهای کشور در بسیج شرکت کرده‌اند و منقعی خدمتان ۵۶ هم خود را معرفی کرده‌اند. همچنین بمیزان ۲۰ کیسه نان ۲۰ پنبه و ۵۲۰ تومان پول برای جنگ زدگان کمک کرده‌اند. مستقیماً به جهاد سازندگی داده‌اند. اینست نمونه‌ای از دهقانان زحمتکش طرفدار انقلاب و حامی جمهوری اسلامی ایران که با جان خود، نان سفره خود، آخرین ریالهای خود در دفاع از انقلاب ثابت قدم هستند و با یدار آنها حمایت شود و هر چه زودتر هیئت هفت نفری مسئله دو مالک طاغوتی را حل نماید. ۱- با توجه به وضع حساس این ده و موضع بسیار روشن بزرگ مالک از یک سو و دهقانان از سوی دیگر، هیئت هفت نفری واگذاری زمین باید هر چه زودتر کار واگذاری زمین را به خوش‌نشینان و دهقانان آغاز نماید و هر چه زودتر به پایان برساند تا این فئودال خونخوار و ضد انقلاب از بین رفته و دهقانان با خیال آسوده در تولید هر چه بیشتر کوشا باشند.

۲- همچنین بر سپاه پاسداران و سایر نهادهای انقلابی است که این مالک را دستگیر کرده و در باره فعالیت‌های ضد انقلابی و تبلیغات خرابکارانه و شایعه‌پراکنی‌های مغرضانه وی اطلاعات لازم را به دست آورند. ۳- بر اداره راه و جهاد سازندگی است که راه این قریه را مرمت نماید و بر اداره آموزش و پرورش استان همدان است تا با بررسی وضع مدرسه این ده اقدامات لازم را بعمل آورند. با توجه به مطالب فوق حق است که هر چه زودتر به خواستهای اساسی این دهقانان و زحمتکشان و پیروان راستین انقلاب اقدام عاجل بعمل آید.

چکنلو

قریه چکنلو از توابع دهستان مهربان شهرستان همدان دارای ۱۲۰ خانوار است که از این تعداد ۴۴ خانوار خوش‌نشین و بقیه دهقان هستند جمعیت این ده به ۷۸۲ نفر میرسد. موقعیت این ده کوهستانی است و فاصله آن تا همدان حدود ۱۰ کیلومتر میباشد. مدرسه راهنمایی و مسئله معلم از کمبودهای مهم این روستاست. میزان آب در این روستا بسیار کم است و مردم خواهان آب آشامیدنی سالم هستند که می‌گویند این از طریق چاه نیمه عمیق امکان پذیر است. وضع راه این روستا نیز خاکی و خراب و اکثر در طول زمستان بسته است. یکی از خوش‌نشینان این ده می‌گفت و می‌گوید که با یدیه خوش‌نشینان داده شود کلابه تراکتور دارها داده‌اند و به ما کمترین وامی هم نداده‌اند. اهالی این قریه نیز به مانند سایر روستاها در بسیج شرکت کرده و منقعی خدمتان ۵۶ خود را معرفی کرده‌اند همچنین انگور - کشمش و پنیر و نان به جنگ زدگان کمک کرده‌اند. با توجه به نارسایی‌های این قریه ضروری است جهاد سازندگی به خواستهای اساسی این روستا رسیدگی نماید و اقدام لازم را بعمل آورد و مسائل این روستا به ازدیاد تولید و تحکیم پشت جبهه کمک موثر خواهد کرد.

جلسه مرسوم پرسش و پاسخ، روز یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۵۹ با حضور رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، تشکیل شد. رفیق کیانوری به پرسش‌هایی که شرکت‌کنندگان در جلسه مطرح کردند، پاسخ گفت.

پیش اول و دوم این «پرسش و پاسخ» در شماره‌های گذشته نامه «مردم» درج شد و اینک آخرین بخش آن به چاپ می‌رسد.

س: روزنامه‌های مخالف حزب توده ایران و هم چنین برخی از مقامات مسئول کشور، تهمت‌ها و افتراهای زنده‌های به حزب می‌زنند. چرا شما مقابل به مثل نمی‌کنید؟ آیا این محافظه‌کاری نیست؟

ج: من همین الان به این پرسش پاسخ دادم و گفتم که ما خوشتر هستیم و مناعت خود را حفظ خواهیم کرد. ما هیچ وقت شیوه‌هایی را که خود محکوم می‌کنیم، به کار نمی‌بریم. یکی از خدمات بزرگ حزب توده ایران این است که برای زنده کردن فرهنگ غنی و ارزشمند خلق‌های میهن ما، جدی‌ترین و پیگیرترین تلاش‌ها را به کار برده است. ما به عنوان میهن پرستان واقعی تا آنجا که در توانمان بوده است برای زنده کردن این فرهنگ غنی کوشیده‌ایم. در این زمینه نویسندگان و محققین ما، آثار بسیار ارزشمندی دارند: مثل رفیق طبری، نوشین یا شاهنامه‌هاش و یا پژوهشی که جوانشیر در باره شاهنامه انجام داده و در آینده نزدیک انتشار خواهد یافت و یا آثار دیگر رفقا و هواداران حزب ما که با تشویق حزب انجام گرفته، همه در جهت زنده کردن محتوای فوق‌العاده عالی و ارزشمند و فرهنگ‌افراد ما است. و اما فحاشی و سخن ناحق گفتن با روح این فرهنگ منافات دارد. در رابطه با همین فحاشی و تهمت زنی، ما این مثل مشهور را داریم که: پرسید ادب از که آموختی، گفت از بی ادبان. وقتی به ما فحاشی می‌کنند و تهمت می‌زنند، ما این مثل را به یاد می‌آوریم. وقتی ما تاثیر بسیار معنی این عمل را نمانده‌ایم، چرا که تهمت و افترا هستیم، بلکه در افراد سالم جامعه که قضاوت درست دارند، مشاهده می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که نباید در مقام مقابله با چنین شیوه‌هایی، همان شیوه‌ها را به کار برد. یعنی ما از بی ادبان، ادب می‌آموزیم، از فحاشان، عفت کلام و مناعت می‌آموزیم از کسانی که بدون مایه علمی لازم لاف می‌زنند، فروتنی علمی می‌آموزیم. واقعاً هم کسانی هستند که ادعا می‌کنند در آفرینش متحرک هستند، و در تمام علوم از فلسفه و اقتصاد و سیاست گرفته تا ادبیات و هنر و متبحر و صاحب نظرند. ما توده‌ای‌ها وقتی این پدیده‌ها را می‌بینیم، حیرت می‌کنیم و چنین ادعاهایی را زشت می‌دانیم. به یاد داشته باشیم که وقتی در جمعی، از لنین در باره مسائل هنری سؤال کردند، با نهایت فروتنی گفت من از هنر زیاد سرم نمی‌شود، در این زمینه به لونا چارسکی که هنرشناس است مراجعه کنید. یا در مورد مایاکوفسکی نقل می‌کنند که لنین گفته است شعر این شاعر جوان ویژگی‌های خاصی دارد. اما راستتر من از شعر او چیز زیادی نمی‌فهمم، ولی لونا چارسکی می‌فهمد و می‌گوید او نابه‌است و حق با اوست.

البته جملاتی که من از لنین نقل کردم، عین سخنان او نیست و من آنها را از حفظ گفتم، ولی مفهوم آن همین‌هاست. خلاصه می‌خواهم بگویم ما از این مدعیان تبحر در جمیع علوم عالم و از این دائره‌المعارف‌های متحرک، این درس را می‌گیریم که فروتن باشیم. ما اگر بخوایم در یک مسئله اقتصادی اظهار نظر کنیم، تمام دوستانمان را که از اقتصاد اطلاع دارند جمع می‌کنیم و از آن‌ها نظری می‌خواهیم. اگر بخوایم در زمینه آموزش و پرورش صحبت کنیم، حتماً به همین شیوه عمل خواهیم کرد. تمام رفقای را که دارای چنین اطلاعاتی هستند جمع می‌کنیم و از آن‌ها اطلاع می‌خواهیم. این شیوه برخورد ما به مسائل علمی با برخوردهایی که به آن اشاره کردم به کلی متفاوت است.

ویژگی دیگر حزب ما این است که مطالب خود را روشن و ساده می‌نویسد و بیان می‌کند و در این زمینه هم با بفرنج‌گویان و بفرنج‌نویسانی که جملاتشان را با رمل و اصطلاحات باید کشف کرد، وجه مشترکی ندارد. اگر شما مقالات آن روزنامه‌های کذایی را گمان بردیم، بخوانید به همین شکل خواهد رسید. اگر به برخی از این بحث‌های فلسفی عجیب و غریبی که در رادیو - تلویزیون انجام می‌گیرد، توجه کنید، به همین خواهید رسید که مراد گویند این است که کسی از گفته‌هایش چیزی نفهمد فقط با قلمبه‌گویی و اشرار به نام‌های برخی از بزرگان و آثار آنان بخش ناوارد شوندگان و بینندگان را تحت تاثیر قرار دهد که با خود بگویند: این آقا به قدری دانشمند است که مطالبش را ما نمی‌فهمیم. ولی ما بر عکس می‌کوشیم حتی بفرنج‌ترین مباحث را هم تا آنجا که ممکن است آنقدر ساده بیان کنیم که لاف‌افراد دارای سطح متوسط معلومات عمومی، آن را بفهمند.

پس مانده‌ایم زمین و نه در هیچ زمینه دیگری با شیوه‌های نادرست مقابله به مثل نمی‌کنیم. ما شیوه‌های خود را بر اساس اصولیت، بر اساس موضع‌گیری اجتماعی خود، بر اساس واقعیت‌های عینی، بر اساس تحلیل علمی پدیده‌ها، بر اساس توجه به خواست‌های واقعی محرومان جامعه و احترام عمیق به توده‌های خلق، انتخاب می‌کنیم و این عمل را درست می‌دانیم و معتقدیم که در از مدت همین شیوه‌هایی که ما انتخاب کرده‌ایم حتماً برنده و امثال آن‌ها هر قدر هم که امروز توانا و زورمند بنمایند، نظیر اسلافشان در زباله‌دان تاریخ دفن خواهند شد. در طول چهل سالی که حزب ما در صحنه تاریخ ایران به فعالیت پرداخته، گذشته از خود رژیم سرنگون شده، احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و اشخاص بسیار، علیه‌راه ما به‌سبب برخاستند، تهمت زدند، دشنام دادند، لجن‌پراکی کردند و از هیچ عمل خصمانه‌ای فروگذار نکردند، ولی امروز که عرصه سیاست ایران می‌تگریم، می‌بینیم که اکثریت قریب به تمام آنان در زباله‌دان تاریخ جای گرفته‌اند و بسیاری از آنان حتی نامشان هم یادها رفته است. ولی توده‌های فزونی و شکبای با تحمل انواع رنج‌ها و محرومیت‌ها راه خود را ادامه می‌دهد و با کاربرد شیوه‌های صحیح در آینده نیز صحت این راه و حقانیت تاریخی آن را به ثبوت خواهد رسانید.

در اینجا یک نکته را هم باید یادآور شوم: مبارزه ما با مخالفانمان در برخی موارد، در شرایط به کلی نابرابر و نامساعد انجام می‌گیرد. مثلاً یادم آمد که در دوران فتوالتیته در اروپا سنوورها، ارباب‌ها، نمایندگان اشرافیت، برجان و مال رعایا حاکم بودند. در ایران خودمان هم فتوادل‌ها، خان‌ها و اشراف در برابر رعیت‌ها همین وضع را داشتند. اگر دهقانی به یک خان زاده، اشراف زاده یا فلان نورچشمی می‌گفت بالای چشم‌ت‌ابروست، آن اشراف زاده یا نورچشمی حق داشت که آن دهقان را کاز توده مردم بود مثل افراد هم طبقه خود به دوئل یعنی جنگ تن به تن دعوت کند، ولی شرایط این جنگ تن به تن، بر خلاف شرایط جنگ تن به تن با هم - طبقه‌هایش، این بود که اشراف زاده حق داشت سوار بر اسب و سراپا مسلح به سلاح‌های قرون وسطایی یعنی با زره و گلاخه خود و سیر و نیزه و شمشیر و تبریز و غیره باشد، ولی دهقان موظف بود با همان لباس عادی و فقط با یک چوبدست به جنگ بیاید. تا بلوهای تاریخی بسیار، از این نوع نبردهای تن به تن وجود دارد که البته نتایج آن هم معلوم است که با همان نتیجه اول به پیروزی آن اشراف زاده تمام شده است. وضع ما هم با برخی از بزرگان که الان در جامعه ما همه قدرت را در دست دارند، همینطور است. آن‌ها رادیو و تلویزیون دارند، روزنامه‌های با قطع بزرگ و با حجم تا ۲۵ صفحه و بیشتر دارند، چاپخانه امکانات وسیع چاپ و پخش و پول فراوان دارند. و علاوه بر همه این‌ها زندان و "حق" توقیف روزنامه و توقیف خود را هم دارند و در این زمینه همکاری هم نکنند، کفیری در انتظار ندارند.

نورالدین کیانوری (۳) «پرسش و پاسخ»

شخصیت‌های خلقی

وضد امپریالیست

نباید بالیرال‌ها

در یک صف قرار گیرند

- ۵- مبارزه میان حزب توده ایران و مخالفان آن در شرایط نابرابری کامل نیروها و امکانات.
- ۶- با وجود جنگ طبقاتی میان لیبرال‌ها و نیروهای انقلابی، آیا می‌توان از اتحاد و وحدت میان آنها سخن گفت؟
- ۷- با آنکه شعار «جبهه متحد خلق، تاکنون بی جواب مانده، چرا باز آنرا تکرار می‌کنید؟
- ۸- باز هم درباره علل پیدایش دشواری‌ها در لهستان.

خوب، در برخورد با این نیروی عظیم باز هم به شهادت حزب ما باید آفرین گفت که با وجود این عدم تناسب قوا و این نابرابری امکانات، در تمام موارد ما حرف خودمان را زده‌ایم، نظریات خودمان را گفته‌ایم و اگر انعکاس این نظریات "محدودتر" از انعکاس نظریات مخالفین بوده، این دیگر تقصیر ما نیست. امکاناتمان نابرابر است! مثلاً امکانات واقعی روزنامه "میزان" را در نظر بگیرید و ببینید چه امکاناتی در اختیار روزنامه "میزان" هست و چه امکاناتی در اختیار روزنامه ارگان مرکزی حزب توده ایران. و این دو با همین "امکانات" در نبرد شرکت دارند، بعضی از "میزانی"‌ها اگر فقط کت خود را بکنند، تمام امکانات مالی "نامه مردم" از جیب‌هایشان بیرون می‌ریزد. من بارها گفته‌ام که حاضریم تمام آنچه را که مجموع صد نفر اول از مسئولین حزب توده ایران در این دنیای فانی صاحبند، با چند درصد آنچه که یکی از این آقا بالیرال‌ها واقعاً مالکند، از خانه و کارخانه گرفته تا سیرده‌های بانکی، به شرط آن که صادقانه بگویند، عرض کنیم و اطمینان داریم که در این تروضی حتماً برد یا ما خواهد بود. این است امکانات آن‌ها و این است امکانات ما، امکانات یک سازمان انقلابی توده‌ای که به کمک‌های فوق‌العاده ناچیز اعضای خود متکی است و اکثریت مطلق این اعضا هم خودشان از محرومان جامعه هستند.

با توجه به چنین واقعیتی، دوستان ما نباید بیش از آنچه که امکانات واقعی به ما اجازه مبارزه با حملات و اتهامات و لجن‌پراکی‌های مخالفان ما را می‌دهد، از ما متوقع باشند.

س: (یکی از هواداران سازمان "اکثریت" چریک‌ها) - در روزهای اخیر حملات لیبرال‌ها به انقلاب ایران، به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافته و اختلاف بین لیبرال‌ها و جناح‌های انقلابی به حد اعلا شدید شده است. همان‌طور که در "نامه مردم" در دست‌های تحلیل شده، این تعرض لیبرال‌ها، نشانه ضعف آنهاست. ما می‌دانیم که این مبارزه، یک جنگ طبقاتی است. با وجود چنین جنگی، دیگر از چه اتحاد و وحدتی می‌توان سخن گفت؟ مگر میان انقلاب و ضدانقلاب می‌تواند وحدت وجود داشته باشد؟

ج: این سؤال درستی است. دوست عزیز هوادار سازمان چریک‌های فدایی خلق - "اکثریت" آنچه‌که‌ما از ندای وحدت امام خمینی فهمیده و آن را یکی از عناصر پنجگانه خط امام خمینی تلقی کرده‌ایم، بار دیگر من در این جای یادآوری می‌شوم. این پنج عنصر عبارتند از: ۱- مبارزه اشتی‌ناپذیر علیه امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم آمریکا به عنوان دشمن شماره یک محرومان ایران و تمام محرومان جهان، ۲- مبارزه اشتی‌ناپذیر علیه استبداد برای درهم شکستن طاغوت، ۳- مبارزه برای تغییرات بنیادی در نظام اقتصادی - اجتماعی به سود محرومان و فارت‌شدگان و کوخ‌نشینان، ۴- تأمین آزادی برای اکثریت مردم، برای کسانی که گذشته از هرگونه آزادی محروم بودند، ۵- تلاش در راه اتحاد همه نیروهای که صادقانه برای این سمت‌گیری چهارگانه آماده مبارزه هستند. عنصر آخر یکی از عناصر مهمی است که حزب توده ایران از ابتدای شروع فعالیت سیاسی‌اش، همیشه روی آن تکیه کرده و لزوم ایجاد جبهه متحد خلق را خاطر نشان ساخته است. و اما جبهه متحد خلق یعنی چه؟ این به هیچوجه به معنی اتحاد بین انقلاب و ضدانقلاب نیست. خلق یعنی کسانی که هواداران انقلاب هستند. ضدانقلاب هیچوقت جزء خلق حساب نمی‌شود. جبهه متحد در برگیرنده نیروهایی است که طرفدار استقلال، آزادی و تغییرات بنیادی به سود محرومان جامعه هستند یعنی همان چیزی را می‌خواهند که جمهوری اسلامی در قانون اساسی وعده داده است. امام همیشه خاطر نشان کرده است که کسانی که مدعی دفاع از این خط هستند، باید مسائل ذهنی، اختلاف بر سر قدرت، اختلاف بر سر این که چه کسی فلان پست را بگیرد و من قوی‌تر باشم و یا تو، همه این‌ها را دور بریزند و تمام نیروی خودشان را برای تحقق هدف‌های اصلی انقلاب متحد کنند. ما با چنین اتحادی که مفهومی همان است که ذکر کردیم، موافقت کامل داریم و با تمام قوا از آن پشتیبانی می‌کنیم. ما از اتحاد و وحدت نیروهایی که می‌خواهند تسلط امپریالیسم جهانی در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، از جامعه ما ریشه‌کن شود و محرومان جامعه به حقوق حقه انسانی و اجتماعی خود برسند، حمایت می‌کنیم و چنین اتحادی را ضمن پیروزی انقلاب و حفظ دستاوردهای آن می‌دانیم. به همین شعار جبهه متحد خلق، شعار عمده نبرد کنونی و آینده‌ما برای تحکیم استقلال و آزادی و تحقق اصول تصریح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

س: (از یک دوست مسلمان) - با آنکه شعار جبهه متحد خلق تاکنون بی‌جواب مانده است، چرا دائماً از طرف حزب توده ایران تکرار می‌شود؟

ج: دوست عزیز مسلمان، با رفقای که ممکن است چنین سؤالی برایشان مطرح باشد! شعارهای عمده سیاسی، شعارهایی نیستند که امروز مطرح شوند و فردا تحقق پیدا کنند. شعار جاری روز نیستند. مثلاً یکی از شعارهای روز در حال حاضر عبارتست از: تجهیز همه نیروها برای در هم شکستن تجاوز آمریکا - صدام. این شعار فقط برای دوران معین جنگ علیه تجاوز عراق معتبر است و وقتی این جنگ تمام شود، این شعار هم تعطیل خواهد شد. با شعاری که از این هم بیشتر می‌تواند جنبه روز داشته باشد این است که مثلاً فردا، جمعه، باید در میتینگ علیه آمریکا - صدام شرکت کرد. همینکه جمعه گذشت و میتینگ برگزار شد این شعار هم از بین می‌رود. ولی شعارهای عمده سیاسی، می‌توانند یک دوران تاریخی را در برگیرند. مثلاً در تمام دوران رژیم شاه، شعار سرنگونی رژیم محمدرضا شاهر عمده سیاسی همه نیروهای ضد-استبدادی ایران بود. بهترین و موثرترین وسیله تحقق یک شعار عمده سیاسی که مورد قبول نیروهای گوناگون باشد، همیشه تشکیل جبهه‌ها و احاد این نیروها است - این یعنی چه؟ یعنی این که همه نیروهایی که در مورد این شعار با هم موافق هستند، تمام نیروها و امکانات خودشان را روی هم بریزند و متحدان نقشه‌ای طرح‌ریزی کنند. مسلم این است که در چنین صورتی نیروی آن‌ها چند برابر خواهد شد. در نامه‌های سرگشاده‌ای که ما پیش از سرنگونی رژیم شاه برای نیروهای مبارز انقلابی ایران فرستادیم، بارها خاطر نشان کردیم که دوستان، شما می‌خواهید این رژیم را سرنگون کنید. ما هم می‌خواهیم این رژیم سرنگون شود. بیایید بنشینیم و با هم شور کنیم که چگونه می‌توان با تجمع نیروها به این هدف رسید؟ با تفرقه و پراکندگی نیروها، هیچ‌یک از آن‌ها به تنهایی نمی‌توانند این رژیم را سرنگون کنند و چه بسا در صورت کوشش برای انجام یک نقشه حساب نشده، ممکن است همدیگر را خنثی کنند. بیایید روی یک نقشه و یک برنامه مشترک و چونگی شیوه‌های مبارزه مشترک، روی تمرکز همه نیروها برای انجام این مبارزه توافق کنیم، زیرا این یک اصل بدیهی و ابتدایی است که وقتی نیروها با هم متحد باشند، تاثیر و قدرتشان برای رسیدن به هدف چندین برابر حاصل جمع عددی ساده نیروی متفرق آن‌ها خواهد بود. این را در کلاس اول و دوم دبستان هم به‌کارگرفته‌ایم می‌دهند. از وقتی که من مدرسه و مکتب یاد می‌دهم، همه بزرگانان قصبه‌ها و کوه‌ها و رودها را نقل کرده‌اند: پدر، ترکه‌ها را یکی یکی به پسر داد و گفت بشکن، در نظر بگیریم، اما وقتی همه ترکه‌ها را با هم داد، نتوانست بشکند. و آنوقت نتیجه گرفت که اگر شما متحد باشید، هیچکس نمی‌تواند شما را درهم بشکند، اما اگر تکتک و متفرق باشید، شما را خرد می‌کنند. این یک حکمت تاریخی جامعه ما و همه جوامع است.

در جامعه حجت‌جبهه متحد خلق، شعار امروز و فردا نیست. مادام که در جامعه هدف‌هایی مطرح است که نیروهای دارای موضع‌گیری‌های ایدئولوژیک - سیاسی گوناگون در آن هدف‌ها با هم مشترکند، تشکیل جبهه متحد این نیروها، بهترین شیوه برای پیروزی و دستیابی به آن هدف‌هاست. حال ببینیم که آیا در جامعه ما هدف‌هایی که تحقق آن‌ها مستلزم تشکیل جبهه متحد خلق باشد، از بین رفته است؟ نه، اگر برنامه جبهه متحد خلق را که بلنوم کمیته مرکزی مایشتها در کرد، در نظر بگیریم، می‌بینیم که قسمت‌های مهمی از این برنامه، امروز هم نه فقط برای حزب توده ایران، بلکه برای نیروهای گوناگون مدافع واقعی انقلاب ایران، از مسلمانان مبارز گرفته تا طرفداران سوسیالیسم علمی، به‌شعار عملی روز تبدیل شده است. از آن جمله است مسئله اصلاحات ارضی، ملی کردن تجارت خارجی، کوتاه کردن دست سرمایه‌داری بزرگ وابسته به امپریالیسم، تشکیل ارتش ملی، مبارزه با بی‌سوادی، بالا بردن سطح بهداشت عمومی و غیره. همه این مواردی که ما در برنامه جبهه متحد خلق آورده‌ایم، امروز به‌طور خیلی دقیق، جزو برنامه دولت جمهوری اسلامی و بخش عظیمی از نیروهای انقلابی جامعه ما است. پس این هدف‌ها از بین رفته و ما به همه این هدف‌ها نرسیده‌ایم. بخش قابل توجهی از آن‌ها به هدف‌های طیف بسیار بزرگی از جامعه ما تبدیل شده است. به همین جهت مسئله تشکیل جبهه متحد خلق هم به اعتبار خود باقی است، با این تفاوت که در شناخت آن‌ها به عنوان هدف‌های مردم، یک نوع هماهنگی میان بسیاری از نیروها به وجود آمده و خیلی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید از تلاش‌های جداگانه برای رسیدن به این هدف‌ها خودداری شود و همه کوشش‌ها در یک مسیر به کار رود.

اما بعضی‌ها می‌گویند که چون جبهه متحد خلقی با محتوایی که شما مطرح می‌کنید، قبول نشده و عده‌ای از اصلا نمی‌کنند و شرکت با بهتر طرفداران سوسیالیسم علمی را در یک جبهه غیر ممکن می‌دانند. آیا بهتر نیست که شعار دیگری به جای آن مطرح گردد؟ ما در گذشته نیز بارها گفته‌ایم که حزب توده ایران کمتر به شکل و بیشتر به محتوای عمده پدیده اهمیت می‌دهد. محتوای اساسی جبهه متحد خلق هم این است که نیروهای سیاسی طبقات و قشرهای مختلفی که جمعا خلق را تشکیل می‌دهند، روی یک برنامه مشترک توافق کنند و سازمان متشکلی از این نیروها به عنوان یک سازمان سیاسی مرکز تجمع همان‌ها به وجود بیاید. ولی ما در این زمینه هیچگونه مطلق‌گرایی نداشته‌ایم. جبهه متحد خلق می‌تواند در عمل گام‌های بسیار مهمی بردارد، بی‌آن که هنوز شکست کامل شده‌باشد. مثلاً امروز در جبهه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا می‌بینیم که اکثریت مطلق خلق با وجود گرایش‌های گوناگون ایدئولوژیک و سیاسی، عملاً در یک جبهه قرار گرفته‌اند و در یک جبهه عمل می‌کنند. شعار "مرگ بر آمریکا" یادتان نرود "در اجتماعات نماز جمعه، به رهنمود اساسی روحانیت مبارز تبدیل شده و فقط اقلیت ناچیزی دست و پا می‌زند که آمریکا را از زیر این ضربه خارج کند و این اقلیت به‌طور عمده وابسته است به سرمایه‌داری و بورژوازی لیبرال و ضدانقلاب. پس در مورد این مسئله اساسی، جبهه متحد عملاً وجود دارد. در مورد مبارزه با بزرگ‌مالکی هم ما می‌بینیم که اکثریت قریب به تمام خلق، علی‌رغم آن که لیبرال‌ها و بزرگ‌مالکان کوشیده‌اند در این زمینه از روحانیت غیرانقلابی استفاده کنند، خواستار برانداختن بزرگ‌مالکی است. به نظر ما این مبارزه علیه بزرگ‌مالکی حتماً در جبهه وسیعی ادامه پیدا خواهد کرد. در دوران جنگ ممکن است آرامشی در این زمینه به وجود آید، ولی این مبارزه ریشه‌های عمیق دارد و به مبارزه وسیع خلقی تبدیل شده است. زمانی بود که مبارزه علیه بزرگ‌مالکی فقط توسط حزب توده ایران انجام می‌گرفت و فقط حزب ما بود که این شعار را می‌داد و تمام نیروهای سیاسی فعال دیگر آن مخالف بودند و خیلی از آن‌ها ما را به علت اعلام این شعار تکفیر می‌کردند. ولی الان ما می‌بینیم که شعار آن روز ما به شعار اکثریت قریب به تمام خلق بدل شده است.

شعار محدود کردن فعالیت غارتگران سرمایه‌داری را در نظر بگیریم. این شعار هم که زمانی فقط از طرف حزب ما مطرح می‌شد، امروز به شعار طیف وسیعی از نیروهای انقلابی ایران تبدیل شده است. شعار جبهه متحد خلق هم علی‌رغم مقاومتی که هنوز به‌طور جدی در برابر آن وجود دارد، به‌ویژه علیه همکاری رسمی نیروهای اسلامی و هواداران سوسیالیسم علمی، پیشرفت بسیار یافته‌ای داشته است. به این دلیل ما اعتقاد داریم که تجربه‌های آینده و تکامل آینده انقلاب ایران شرایط را برای همکاری رزمی همه نیروها در جهت تحقق بخشیدن به هدف‌ها و آماج‌های جبهه متحد خلق، هدف‌های جبهه طبقات زحمتکش خلق ما، جبهه کارگران، دهقانان، تولیدکنندگان کوچک، توزیع‌کنندگان و بورژوازی کوچک زحمتکش شهر و روستا و روشنفکران مترقی و علاقمند به پیرفت اجتماعی و استقلال و آزادی، و مساعدتر خواهد کرد. ما به هیچوجه معتقد نیستیم که این شعار، فعلیت و ضرورت حیاتی خود را از دست داده و باید آن را کنار گذاشت. ما معتقدیم که این شعار آینده جنبش انقلابی ایران خواهد بود و به همین جهت هم همیشه پی‌گیر از این شعار پشتیبانی خواهیم کرد.

س: لطفاً درباره علت پیدایش دشواری‌ها در لهستان توضیح دهید.

ج: من درباره این سؤال، در جلسات گذشته مفصل توضیح داده‌ام و این توضیحات به‌قوت خود باقی است و عملاً هم معلوم شد که عامل اساسی همان اشتباهات رهبری دولت و حزب لهستان در ارزیابی مسائل اقتصادی، بقیه در صفحه ۷

پیشنهاد سازنده...

بقیه از صفحه ۱
کشور و یا کشورهای دیگر منطقه و جلوگیری از یزقاری مناسبت حسن هجواری میان آنها را اختیار کرده‌اند، از حدت اوضاع کاسته نشده.

«نمود نظامی خارجی در خاور نزدیک و میانه در برابر انظار جهانیان شدت می‌یابد، پایه‌های وحدت جهان عرب متزلزل می‌شود و خرسندی دشمنان خاق‌های عرب را برمی‌انگیزد...»

«توئید بر ژرف دربار جنگ تحمیلی دارنده

«توئید بر ژرف دربار جنگ تحمیلی دارنده...»

در صورت عدم مداخله دیسگران در امور داخلی افغانستان، نیروهای شوروی فراخوانده خواهند شد.

دیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی سپس اظهار داشت:

«مخالفان روند عادی شدن اوضاع بین‌المللی و مقصران مسابقه تسلیحاتی اغلب برای توجیه اقدامات خود به اوضاع افغانستان استناد می‌کنند، اما چنانکه کمی بهتر بیاندیشیم، درمی‌یابیم که موضع آنها بی‌عین است. اینان درباره قطع کمک نظامی شوروی به افغانستان هیاهو سرداده‌اند، ولی، در واقع، از دست‌یابی بی‌بج روئی برای ایجاد مانی در این راه فروگذار نمی‌کنند. آنها همچنان برای ادامه تسلیح و جلوگیری از بازگشت به وضع عادی تلاش می‌ورزند. (این عناصر) به گسیل اوپاشان مسلح به افغانستان ادامه می‌دهند و، پیش از همه، از حصول توافق میان افغانستان و همسایگانش، یوزوه میان افغانستان و پاکستان، هراس دارند. ولی با وجودی که تسلیح و تجهیز کردن افغانستان بتدریج به حال عادی برمی‌گردد و محیط آرامی بیش از پیش در این کشور برقرار می‌شود، این روند یوسته گسترش خواهد یافت و ابراهای زهر آگین دروغ و افترا بتدریج پراکنده خواهد گشت. گمان می‌کنیم که آنگاه برای همسایگان جنوبی افغانستان روشن خواهد شد که یگانه راه واقعی راه حصول توافق با دولت افغانستان، بر پایه اصل حسن هجواری است. در نتیجه شرایط لازم برای بازگرداندن اوضاع سیاسی به حالت کاملاً عادی، از جمله برای فراخواندن نیروهای شوروی از افغانستان، پدید خواهد آمد.»

رهبر شوروی گفت:

«اتحاد شوروی طرفدار آنست که رودادهای همانا در چنین راستایی سیر کند، ما پشتیبانی کامل خود را از پیشنهادی منطقی دولت افغانستان در این گستره اعلام می‌داریم.»

پیشنهادهای سازنده در باره حوزه خلیج فارس

توئید بر ژرف سپس ادامه داد:

«حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند هرچه بیشتر به کانون خطرناک تشنجات بین‌المللی تبدیل می‌شود. کشورهای بزرگی، که هزاران کیلومتر از این منطقه دور هستند، به بهانه ساختن «دفاع از مصالح حیاتی» یگان‌های مقتدر نیروی دریایی خود را در آنجا مستقر ساخته‌اند، بستر بریزان تسلیحات خود می‌افزایند، شبکه پایگاههای نظامی خویش را گسترش می‌دهند و کشورهای کوچک را، که زیر بار سیاست آنها نمی‌روند، مورد فشار و تهدید قرار می‌دهند. برخی برای توجیه این اقدامات از خطر موهوم شوروی که گویا ثروت نفتی منطقه را تهدید می‌کند، دم می‌زنند. بدیهی است که چنین ادعایی دروغ محض است. اتحاد شوروی قصد ندارد به منابع نفتی خاور نزدیک دست یابد و یا بر راه حمل و نقل آن مسلط شود. البته آنچه که در منطقه‌ای بسیار نزدیک به مرزهای کشور ما روی می‌دهد، برای ما بی‌تفاوت نیست. ما می‌خواهیم که اوضاع این منطقه عادی و آرام باشد و در مقابل سیاست امپریالیستی «تجاوز و تحکم» در مورد کشورهای حوزه خلیج فارس، سیاست «امنیت و صلح» را قرار می‌دهیم.»

توئید بر ژرف آنکاه گفت:

«این حرفی توخالی نیست، بلکه سیاست واقعی ماست. ما به آمریکا و دیگر دولت‌های غربی، به چین و ژاپن و بقیه کشورهای که باین امر علاقمندند، پیشنهاد می‌کنیم که درباره تسلیح تسلیحات متقابل زیرین به توافق برسند. * از احوادث پایگاههای نظامی خارجی در منطقه خلیج فارس و جزایر اطراف آن خودداری ورزند؛ * از استقرار سلاح هسته‌ای و دیگر سلاحهای کشتار جمعی در (منطقه خلیج فارس) بپرهیزند؛ * از توسل به قدرت و یا تهدید بقدرت علیه کشورهای حوزه خلیج فارس خودداری کنند؛ * در امور داخلی (کشورهای حوزه خلیج فارس) به مداخله نپردازند؛ * هر خط مشی عدم تعهد را، که از سوی کشورهای منطقه خلیج فارس برگزیده شده است، محترم بشمارند؛

* این کشورها را به گروه بندی‌های نظامی، یا شرکت دول هسته‌ای نکنند؛ * به حق حاکمیت کشورهای این منطقه بر منابع طبیعی شان احترام بگذارند؛ * از ایجاد مانع و یا تهدید در مورد مرزهای عادی بازرگانی و استفاده از راههای دریایی، که کشورهای منطقه را بدینگر کشورهای جهان مربوط می‌سازد، بپرهیزند.»

توئید بر ژرف ادامه داد:

«ما گمان نمی‌کنیم که حصول به چنین توافقی، که البته کشورهای این منطقه طرفهای برابر حقوق آن خواهند بود، با مصالح حیاتی شان وفق خواهد داد. هرچه باشد این امر ضمن حق حاکمیت، استقلال و امنیت کشورها خواهد بود. اتحاد شوروی طرفدار ناپت‌قدم اندیشه تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح است. ما آماده‌ایم، باتفاق دیگر کشورهای ذینفع می‌جانه‌ای برای پیشبرد این هدف گام برداریم. ما حاضریم هرابتکار دیگری را، که به کاهش تشنجات میانجامد و ناشی از بذل توجه به تحکیم میانی صلح در آسیا و یا در هر قاره دیگر باشد تأیید و تصویب کنیم.»

اتحاد شوروی برای سیاست خارجی هند ارج فراوان قائل است

توئید بر ژرف در پایان سخنرانی خود در پارلمان هند گفت:

«اتحاد شوروی بر سیاست خارجی هند، که بر پایه اصول هزینستی مسالمت‌آمیز و عدم تعهد استوار است، ارج فراوان می‌نهد. ما برای منبم کشورتان در پیکار خلقها برای تأمین صلح و تنش‌زدایی و علیه امپریالیسم، استعمار، نواستعمار، نژادپرستی و هرگونه انقیاد و لاپرواہی ارزش بسزایی قائل هستیم. هند از نصیحت روزهای موجودیت خود در پهنه بین‌المللی نشانی پس می‌ماند ایفا کرده است. هند یوزوه در امر تحکیم میانی صلح و تأمین ثبات در آسیا سهم بزرگی داشته است. برای نمونه، مناسبات هند با کشورهای هندوچین، چین ویتنام و لائوس خوب و حسنه بوده است. اکنون میان کشور شما و کامپوچیا هم مناسبات حسنه برقرار شده‌است. همه اینها، بدون شك، به گسترش مناسبات حسن هجواری و همکاری در جنوب خاوری آسیا کمک می‌کند. ما اطمینان داریم که سیر عادی حوادث موید این روش دوراندیشانه خواهد بود. واقع‌بینی پیوسته عنصر مهم هرسیاست خارجی خردمندانه بوده است.»

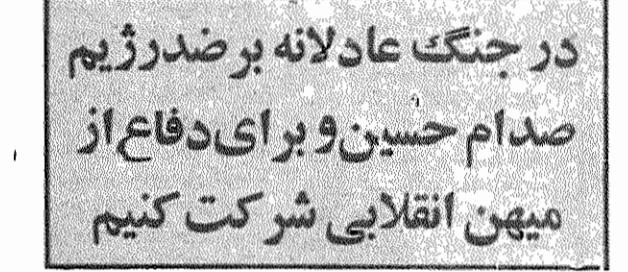
شخصیت‌های ...

بقیه از صفحه ۱

در ارزیابی مسائل مربوط به رشد صنعتی و تولید و ارتباط آن با بهبود شرایط زندگی اقتصادی توده‌ها بوده است. عامل پیدایش حالت بحرانی کنونی در لپستان همین اشتباهات بوده است. ولی همان‌طور که در جلسات پیش گفتم، امپریالیسم طی سال‌های متعددی با استفاده از کلیسای کاتولیک در جهت تحریک مردم علیه سوسیالیسم کوشیده است. کلیسای کاتولیک بر خلاف آن چه که امام خمینی در سال‌های اخیر در زمینه مبارزه با استکبار و استبداد و امپریالیسم انجام داده، همان‌گونه که خود امام هم ضمن ارزیابی فعالیت پاپ بیان داشته، همیشه در جهت تقویت استکبار جهانی و غارتگران جهانی عمل کرده و هیچ موردی دیده نشده است که دستگاه پاپ از حقوق محرومان دفاع کرده باشد. پس از آن که امپریالیسم جهانی به کمک گردانندگان کلیسای کاتولیک توانست اسفند لپستانی را به عنوان پاپ در واتیکان بنماید، دیگر معلوم بود که تحریکات امپریالیسم در لپستان از راه کلیسای کاتولیک بی‌سابقه‌ای خواهد گرفت. به این ترتیب دو عامل، یعنی عامل آگاهانه تحریک با استفاده از احساسات مذهبی توده‌های مذهبی لپستان و دیگری عامل اشتباهات حدی در ارزیابی‌های اقتصادی و اجتماعی از طرف رهبری حزب و دولت در لپستان، با هم توأم شدند و وضع کنونی را به وجود آوردند. در اینجا البته فراموش نکنیم که اخباری که به ایران می‌رسد همان قدر بزرگ شده و عیرواقعی است که اخبار رسانه‌های گروهی دنیای امپریالیستی در مورد اوضاع ایران با افغانستان. محافل دولتی ایران به حد کافی از دروغ‌پردازی‌های سمت دارو میانه‌خیزگری‌های جهان امپریالیستی علیه ایران پرده برداشته‌اند. ما می‌دانیم که این اخبار تاجه اندازه غیرواقعی، کین‌توزانه و خصمانه بوده است. این‌ها همان رسانه‌های گروهی هستند که در جهان بخش کردند که آیت‌الله خمینی دستور داده است بستان‌های زنان را در خیابان‌ها ببرند! دروغ‌پردازی آن‌ها تا بدین درجه بی‌شرامه و رذیله است. حالا هم که مثلا "یوفا بتدیس"، "فرانس پرس" و دیگر "دروغ پرس" های جهان امپریالیسم، "اخبار" درباره لپستان بخش می‌کنند، باید بینا را بر این گذاشت که افلا نصف این اخبار دروغ است و تازه نصف دیگر آن را هم باید خیلی تخفیف بدهیم. مثلا این که گویاسی لشکر شوروی در مرز لپستان متحرک شده‌اند. این‌ها همه از قماش همان حقه‌بازی‌هایی است که ما در باره ایران نیز شاهدش بوده‌ایم. اما آنچه که مسلم است، این است که امپریالیسم با تمام قوا می‌کوشد تا اوضاع لپستان را به همین تبلیغات و حسنجائی که در دنیا به راه انداخته، هرچه بحرانی‌تر کند و کانون تشنج تازه‌ای علیه سوسیالیسم به وجود آورد.

ولی ما با اطمینان می‌توانیم بگویم که تمام این تلاش‌ها و تلاش‌هایی که در آینده ممکن است انجام گیرد برای این که سوسیالیسم را در لپستان با شکست روبرو کند، مسلما عقیم خواهد ماند. در همین زمینه باید بگویم که در کشورهای سوسیالیستی "هر که با سوسیالیسم در افتاد رفتاد!"

بابان



قرارداد ترانزیت...

بقیه از صفحه ۱
دیگر کشورهای جهان برقرار سازد.

قرارداد ترانزیت میان ایران و شوروی، در شرایطی تصویب می‌شود که امپریالیسم آمریکا و دیگر متحدان وابستگانش، می‌کوشند تا برای خفه کردن انقلاب ایران، در طول کلیه مرزهای آن، تشنج و ناآرامی پدید آورند، راههای ارتباطی جمهوری اسلامی ایران را با جهان محدود کنند و حلقه محاصره خود را بدور ایران تنگتر سازند. آنها یک سال پیش محاصره اقتصادی ایران را به مرحله اجرا گذارند، که با توی اتحاد شوروی عقیم ماند، و اکنون می‌کوشند تا راههای ارتباطی ایران را غیر قابل استفاده سازند، که قرارداد ترانزیت میان ایران و شوروی این بار نیز این توطئه را نقش بر آب می‌سازد. نماینده وزارت راه و ترابری در این مورد، در مجلس شورای اسلامی گفت:

«بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، موضوع استفاده از راه ترانزیت اتحاد جماهیر شوروی مطرح بود، بخصوص که اشکالاتی در راه‌های دیگر احساس می‌شد... با توجه به محدودیت‌های هائی که بخصوص بعد از جنگ در کانالها و دیگر راه‌های ارتباطی ما وجود دارد، این قرارداد در بند ضمانت اجرایی، ناظر به قبول طرف شوروی از تسلیح امضاء برای اجرا است.»

نماینده وزارت راه و ترابری افزود:

«تجربه جنگ به ما نشان داد که نباید به یک راه قانع باشیم. شبکه ارتباطی ما در سطح بین‌المللی باید وسیع باشد، که اگر عوامل امپریالیسم یک راه را بر ما بستند، راههای دیگر باز باشند... این قرارداد زمینه را برای وابستگی به شرق فراهم نمی‌کند، بخصوص که ما ضرورت داریم که خود را از دامان غرب

مردم بدانید...

بقیه از صفحه ۱
ایران که بدست عراق انجام گرفته، امتحانی برای تمام‌اتحاد و گروههای مردم است، گفت:

موتی همه دنیا مسئله جنگ ایران و عراق و جبهه بندی‌های موجود را شناختند، وقتی که سرانگشتن آمریکا در منطقه به دشمن ما به رژیم بعثی سدای کشور ما، نمی‌توانست از جانب دشمنان سوگند خورده و بخون تشنه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با خشم و کین استقبال نشود.

رادیو بختیار، یکی از بلندگویان ضدفاشیسم امپریالیسم آمریکا، در برنامه سه شنبه ۱۷ آذرماه ۵۹ خود، این قرارداد را به باد حمله گرفت و از جمله گفت:

«با آنکه یکی از شعارهای جمهوری اسلامی نه شرقی، نه غربی است، بین آخوندها و رهبران کمونیست شوروی توافق به عمل آمد تا کالاهای جمهوری اسلامی از طریق شوروی به ایران حمل شود... روشن است که چه کسانی دلال بستن این پیمان بوده‌اند.»

و ارکان گروهک آمریکائی-چینی «رنجبران»، حتی چورانه‌تر از رادیو بختیار و علیرغم نظر اکثریت طبع نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، که بر قانون حکم تأیید نهاده، این قرارداد را به «زیان استقلال ایران» می‌داند. کدام «استقلال»؟ همان «استقلال» که امپریالیسم آمریکا توسط شاه ملعون ۲۵ سال بدمرد ایران تحویل کرد و اینک هم درصدد تجدید است! جز این انتظاری از رادیو بختیار و «رنجبر» نیست. اگر گامهای جمهوری اسلامی ایران در جهت تحکیم استقلال ایران با زورهای ضدانقلاب مواجه نشود، شکست انگیز است. فریاد-های دردناک ضدانقلاب مایه امیدواری و نشانه سحت راه است.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

کلیک کردند، وقتی مرتجعترین دول منطقه ۱۲ میلیارد دلار به عراق کمک کرد و کویت ۱۰ میلیارد دلار را هم به عراق تعهد کرد و اردن نیروهای نظامی امکانات نظامی خود را در اختیار عراق گذاشت و خبرگزاری‌های سوسیالیستی جهانی همه علیه ایران و به سود عراق حرف زدند اینها (دشمنان داخلی) زبانان کوتاه شده، وی سپس تأکید کرد:

«وقتی دستهای آمریکا در منطقه به عراق کمک می‌کند، معنای این چیست؟ وقتی دنیای غرب و دنیای سرمایه‌داری و استکبار، ایران را می‌کوبد معنای آن چیست؟ حجت‌الاسلام خامنه‌ای ضمن اشاره به اینکه دشمن با شکست در جبهه‌ها به فکر افتاد تا از پشت جبهه انقلاب را زیر سربه بگیرد، گفت: «امروز متأسفانه دشمن انقلاب اسلامی در پشت جبهه‌ها مشغول تضعیف جبهه ماست. آن‌کسانی که تا امروز در این انقلاب روسیاه شده‌اند بازم دارند بر روسیاهی خودشان می‌افزایند. وی ضمن اشاره به توطئه ستون پنجم دشمن برای ایجاد اختلاف و جنگهای داخلی در داخل کشور، آن‌را توطئه امپریالیسم آمریکا خواند و افزود: «در داخل جامعه‌های بنام آزادی، بنام دموکراسی، به نام حمایت از خلقها این جنایات را انجام می‌دهند. وی ضمن اشاره به فعالیت ضدانقلاب برای آنتی-انروزی در درگستان، گفت: «مردم ایران قضاوت کنند، ما درگیر جنگی با این اهمیت، همه نیرو-های ملی بکار افتاده است برای اینکه با دشمن متجاوز بچکنند، خودت اینها (آنتی-انروزیان) خودشان را جزئی از این ملت می‌دانند، در گوشه‌های از این مملکت آتش جنگ را علیه ارتشی و پاسدار و مردم بی‌دفاع و کرد و ترک و غیره برافروخته‌اند، اینها وابسته به آمریکا هستند.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای ضمن اشاره به یکپارچگی مردم در مقابله با ضدانقلاب و توطئه‌های جامعه به اغتشاشات در مدارس اشاره کرد و گفت: «من سرریحا می‌گویم در مدارس نقشه ضد انقلاب نیست، کلاسها را تعطیل کند، بچه‌ها را از مدرسه محروم کند، در مدرسه دعوی ممنوعی به راه بیندازد و پاسداران انقلاب را وارد جریان کند و پاسداران کمیته‌ها را، درگیری ممنوعی بوجود بیاورد و چند فایده با هم ببرد. این یک توطئه است و دقیقاً حساب شده و با توجه به همه جوانب پیچیده شده است.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای ضمن اشاره به فغانهایی که بی‌امون عدم آزادی، در جامعه بلند است از جمله گفت: «امروز شمار آزادی دادن خودش جزئی از توطئه است... همانهایی که می‌گویند ما نمیتوانیم حرفمان را بزنیم در روزنامه‌های کنترلی انتشار یابیم-های درشت حرفشان را می‌زنند، همه مردم از حرفهای آنها مطلع می‌شوند، خوب است ما در آن اختناق رفراموش نکردیم هنوز... خود همین که کسانی می‌توانند آزادانه قلم‌بندست بگیرند و هر چه به قلمشان می‌آید، دروغ و تهمت و افترا بنویسند، دلیل آزادی نیست؛ ما میدانیم که مردم خودشان باید بفهمند و تصمیم بگیرند و لذا است که دولت و مجلس شورای اسلامی معتقد است مردم آزادانه باید بفهمند و بدانند و تصمیم بگیرند، البته یک بار دیگر هم گفته‌ام این آزادی به معنای آن نیست که کسی بتواند به خاطر اغراض پلید جو آرام جامعه را ملتهب کند، حرکت معمولی و طبیعی جامعه را کند و ضررهای جبران‌ناپذیر بزند. هرگز به بهانه آزادی اجازه نمی‌دهند یک خرابکار زیر ریل یک قطار بکار بگذارد. طبیعی است این، برای گفتن، برای اندیشیدن، برای اظهار نظر کردن و حتی برای فریاد کردن آزادی هست.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای ضمن اشاره به یکپارچگی مردم در مقابله با ضدانقلاب و توطئه‌های

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

رنکارانکس گفت: «سمی کنیم این وحدت عظیم و باشکوه را حفظ کنیم. سمی کنیم پشت جبهه را هر که هستیم و هر چه هستیم به هم خودمان و به اندازه قدرت و رسع خودمان مستحکم نگاه داریم.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در خطبه دیگر نماز جمعه سخن اشاره به فترت و متحرکان بریکر انقلاب وارد می‌آورند از دولت و مسئولان اجرایی خواست که با این‌ها باشند رفتار شود. امام جمعه تهران سپس ضمن تأکید مجدد بر حفظ وحدت صفوف مردم به توطئه‌های دشمن برای ایجاد اختلاف بین مردم اشاره کرد و از جمله گفت: «دیسپاری سمنی می‌کنند بین نیروهای نظامی اختلاف بیندازند بین ارتش و سپاه پاسداران... می‌روند پیش برادران ارتشی، سپاه پاسداران را بعنوان افراد بی‌اطلاع، بی‌تخصص، بی‌توقع معرفی می‌کنند، می‌آیند پیش برادران پاسدار، افراد طاقوتی، بی‌تخصص معرفی می‌کنند و هر دو خلاف است.»

شیطان بزرگ آمریکا در کمین است

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در پایان گفت: «مردم بدانید شیطان در کمین است. بدانید که شیطان بزرگ، یعنی آمریکا در کمین است. بدانید که شیطانهای کوچک در سراسر منطقه و در داخل ایران در کمینند، بدانید که پس‌مانده‌ها و قذائف‌های رژیم طاغوتی هنوز در کمینند و در همه جا هستند، یعنی توی هر قشری، توی کاسب، توی کارگر، توی دانشجو، توی روحانی، توی ارتشی، همه قشرهایی که توی این جامعه هست، کسانی را در خود دارد که از لحاظ فکری و عملی یا خارجی یا بصورت واضح، جزو پس‌مانده‌های رژیم گذشته است. مواظب باشید روسه‌های این‌ها دامگیر نشود.»

هر گونه اغتشاش، تشنج و تعطیلی مدارس به سود امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب است!

دانش‌آموزان متعهد و انقلابی! با کمال تأسف در هفته‌های اخیر شاهد آن بودیم که یار دیگر، مدارس کشور، بخصوص تهران، این سنگر واقع‌دانش-آموزان انقلابی و مبارز، پسه کانون‌های تشنج، درگیری و اغتشاش تبدیل شده و موجب نگرانی رهبران انقلاب، امام‌خیز، و مردم قهرمان و انقلابی ایران، به‌ویژه والدین دانش‌آموزان گردیده است.

سازند، با عمده کردن مبارزه علیه انحصارطلبی، شعار اصلی مردم ایران «دشمن اصلی ما آمریکاست» را تضعیف می‌کنند. تا جایی که تحت عنوان مبارزه با انحصارطلبی، ناخودآگاه در کنار مائوئیست‌ها، لیبرال‌ها، چپه دمکراتیک‌ها، اشرفی‌ها و دیگر گروه‌های ضدانقلابی قرار می‌گیرند، فلم مدارس را به هم می‌ریزند و باعث درگیری، تشنج، تظاهرات و تعطیل مدارس می‌شوند. کاری که تنها به سود امپریالیسم آمریکا و آن نیروهای است که می‌خواهند با ایجاد اغتشاش و درگیری جمهوری اسلامی ایران را از درون متلاشی و سپس سرنگون سازند.

ما هم به نوبه خود از بعضی از پاکسازی‌های بیجا، اشکال‌تراشیها در فعالیت انقلابی دانش‌آموزان در مدارس و خود سرکوبی بعضی از انجمن‌های اسلامی، مخالفت‌ها و انتقادهای خود را چه شفاهی و چه در مقالات مختلف در پیام مردم، به گوش مسئولین امر رسانده‌ایم، و برای تحقق خواست به حق دانش‌آموزان، گیری لازم را به کار خواهیم برد. اما این بدان معنی نیست که این مبارزه، که به منظور تداوم و تعمیق انقلاب است، به مبارزه با دولت کنونی و در نتیجه به اهرم سرنگونی رژیم انقلابی کنونی بیانجامد. برعکس، اقتضای این است که مانند همیشه جهت عمده مبارزه، باید علیه دشمن اصلی، یعنی امپریالیسم جهانی، پسرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران دست‌نشانده‌اش، علیه تجاوزات مزدوران صدامی و ضدانقلاب داخلی باشد. آری! باید به قول امام خیزی، همه فنکها را به سوی آمریکا نشانه روی! و به همین دلیل از نظرم، در شرایط کنونی، هرگونه تشنج و اعتصاب، یا هر درگیری داخلی و منحرف شدن از جهت عمده مبارزه، آب به آسیاب امپریالیسم ریختن به حساب می‌آید و محکوم است!

حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها در ملاقات با سفیر کوبا گفت:

ما شما را بدلیل اینکه ضدامریکا هستید، دوست داریم و مایل هستیم از تجربیات انقلاب شما استفاده نمائیم

سفیر کوبا عصر دوشنبه با حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، ملاقات و گفتگو کرد. در این ملاقات، که در محل مجلس انجام شد، سفیر کوبا، در ابتدا گفت: «انقلاب کوبا پس از پیروزی، مشکلات انقلاب ایران را داشت و امریکا دارائی‌ها را مانند دارائیهای شما بلوکه کرد و ما بعد از انقلاب مشکلات فراوانی را تحمل کرده‌ایم و الان بعد از ۲۳ سال که از انقلاب کوبا می‌گذرد، وضع بهداشتی و فرهنگی ما پیشرفت فراوانی کرده و اقتصاد ما مستقل شده است».

سفیر کوبا در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: «انقلاب ایران عمومی و سراسری است و مردم ایران سعی در نابود کردن آثار آمریکا در کشور خود دارند».

حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها، در پاسخ به سخنان سفیر کوبا، از جمله گفت: «ما شما را بدلیل اینکه ضد امریکا هستید، دوست داریم و امیدواریم در آینده‌ای نزدیک سفارت جمهوری اسلامی ایران در کوبا افتتاح گردد. ما مایل هستیم از تجربیات انقلاب شما استفاده نمائیم و امیدوارم که روابط جمهوری اسلامی ایران و کوبا در آینده‌ای نزدیک گسترش یابد».

کاخ بیدارگان بزم کنیم

خانم حزب گمشده را با ما

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هوطنان!

ما می‌خواهیم همراه شما و به کمک شما جشنی بچلیمن سالگرد تاسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب بکمک مالی شما می‌توانیم کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپید قره‌نی شمالی بپردازیم.

توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

مازیار ۱۵۰۰ ریال

هنگ‌سامرین، رهبر شورای انقلابی خلق کامپوچیا: کامپوچیا خواهان روابط حسن همجواری با همسایگان است

هنگ‌سامرین، رهبر شورای انقلابی خلق کامپوچیا، در پایان دیدار رسمی و دوستانه خود از چکسلواکی، بلغارستان و مجارستان گفت: «این سفر بسیار ثمربخش بود. در پایان این دیدار روشن شد که کامپوچیا و این سه کشور سوسیالیستی برادر، در زمینه متحدین مسائل جهانی نقطه نظرهای مشترک دارند».

هنگ‌سامرین گفت: «کامپوچیا موضع انترناسیونالیستی این سه کشور را فراموش نخواهد کرد. این موضع از روابط دوستی، همبستگی و همکاری ناشی می‌شود. همکاری کامپوچیا با جامعه سوسیالیستی به ارتقاء صلح و آرامش در آسیا، اروپا و سراسر جهان ارتباط مستقیم دارد و در مبارزه علیه محاصره تیلجاتی و گسترش تشنج‌زدائی عامل مهمی است».

هنگ‌سامرین، ضمن اشاره به فجایع و جنایات رژیم خون‌آشام پوالت - یتنگساری، گفت: «بعد از پیروزی انقلاب در ژانویه ۱۹۷۹، مردم کامپوچیا ناچار بودند که بر اثر جنایات باند پوالت - یتنگساری همه چیز را از اول آغاز کنند. اکنون کشاورزی در کشور برافزوده و یک میلیون پانصد هزار هکتار زمین زیر کشت برنج رفته است. اکنون کارخانه‌هایی که ویران شده بود بکار می‌افتد و پول رایج کشور ارزش خرید پیدا کرده است».

هنگ‌سامرین، ضمن تأکید بر گسترش روابط بین دوستانه کشورهای سوسیالیستی، گفت: «کامپوچیا خواهان روابط حسن همجواری با کشورهای آسیای جنوب شرقی است».

هنگ‌سامرین سیاست تجاوزکارانه برتری طلبان پکن را شدیداً محکوم کرد.

خبرگزاری کوبائی: محافل غربی خواستار مبارزه علیه دولت لهستان شدند!

خبرگزاری کوبایی پرتسا لاتینا در گزارشی پیرامون اوضاع لهستان اعلام کرد قدرتهای غربی به هیاهوی تبلیغاتی تجاوزکارانه علیه لهستان سوسیالیستی دست زده و سازمان مهاجران ضد سوسیالیست لهستانی فعالانه در اینسکار شرکت دارد. اینسکار شرکت دارد. اینسکار شرکت دارد.

در این میان نقش مریبان دانش‌آموزان بسیارستکین است. مدیران، معلمان، مسئولین امور تربیتی وظیفه دارند که با برخورد اصولی و بی‌طرفانه، فعلا نه به تشنج درگیریهای خانم دهند. مریبان نباید با اخراج دانش‌آموزان از دبیرستانها، مستسک برای اغتشاش و درگیری دانش‌آموزان به دست دهند و یا با برخوردی مغفل، تنها بر این مینا که این برخوردها ناشی از اختلافات گروهی است، خود را از این جریانات کنار نگاه دارند و تنها ناظر بر این زدرخوردها و درگیریها باشند.

ما از مسئولین متعهد و انقلابی مدارس انتظار داریم که هرچه سریعتر با برخوردی دوستانه و صادقانه به این تشنج‌ها خاتمه دهند و زمینه فعالیت ضدانقلاب را در مدارس نابود سازند. در پایان نیز از کلیه گروه‌های سیاسی دانش‌آموزی متعهد و انقلابی، به ویژه هواداران کانون دانش‌آموزان ایران، می‌خواهیم که به تشنج‌های پاید رسانند!

کانون دانش‌آموزان ایران ۱۳۵۹۹۲۰

کانون دانش‌آموزان ایران ۱۳۵۹۹۲۰

رویدادهای جهانی

رهبر افغانستان در جمع گروهی از مردم این کشور گفت: دشمنان انقلاب افغانستان برای دستیابی به هدف‌های ننگین خود ریاکارانه پشت اسلام پنهان شده‌اند

نمایندگان مردم نورستان ساکن در ایالت‌های بدخشان، لغمان و کونار افغانستان با بزرگ کارمل رهبر این کشور ملاقات کردند. این نمایندگان اخیراً با قطعنامه‌ای حمایت خود را از دولت انقلاب اعلام کرده و آمادگی خود را برای دفاع از دستاوردهای بزرگ انقلاب آوریل و بویژه مرحله دوم آن اعلام کردند. بزرگ کارمل در سخنرانی خود خطاب به نمایندگان، سیاست‌گرایی خود را از این حمایت‌سازدانه اعلام کرد و تأکید کرد که این حمایت فربه‌ای به دشمنان مردم افغانستان و نیروهای سیاه ارتجاعی، امپریالیسم آمریکا و ارتجاع جهانی است که دشمنان مسلمانان در سرتاسر جهان هستند. رهبر افغانستان یادآور شد «در آستانه مرحله دوم انقلاب موجودیت کشور در خطر بود و بر طبق نقشه امپریالیسم و با کمک دارنده‌های امین خائن قرار بود، نام افغانستان از نقشه جهان حذف‌شده و کشور تجزیه‌شده».

رهبر افغانستان یادآور شد: «ما برای تقسیم یک افغانستان آزاد، مستقل و صلح‌دوست تلاش می‌کنیم و می‌خواهیم آرامش و امنیت در کشور حفظ شود بطوریکه دهقانان بتوانند در مزارع متعلق به خود کار کنند».

دبیرکل حزب کمونیست هند در دیدار با لئونید برژنف: مردم هند اتحاد شوروی را دوست واقعی خود میدانند

لئونید برژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت‌رئیس شورای عالی این کشور در جریان اقامت در هند با رهبران حزب کمونیست این کشور نیز دیدار و گفتگو کرد. برژنف در این دیدار از روابط صمیمانه فیما بین دو حزب اظهار رضایت کرد. راتو دبیرکل حزب کمونیست هند نیز در این دیدار تأکید کرد که دیدار لئونید برژنف از هند مورد استقبال مردم هند قرار گرفته است، چرا که مردم هند اتحاد شوروی را دوست واقعی خود می‌دانند. رهبران دو حزب برادر از همبستگی انترناسیونالیستی میان دو حزب اظهار رضایت کردند.

کارگران و دهقانان افغانستان مسلحانه از انقلاب در برابر هجوم خارجی دفاع می‌کنند

از باندهای ضدانقلاب اسلحه‌های صاحب آمریکا، اسرائیل، چین و مصر بدست آمده است. گزارشهای رسیده از افغانستان حاکیست که نیروهای انقلاب در مبارزه با مزدوران ضدانقلابی پیروزیهای تعیین‌کننده‌ای بدست می‌آورند. در هفته‌های اخیر باندهای بزرگ خرابکاران در ایالت‌های مختلف افغانستان تارومار شدند. در جریان این عملیات موفقیت آمیز، نیروهای مدافع انقلاب مقادیر بسیار زیادی سلاح‌های ساخت آمریکا، چین، پاکستان، مصر و اسرائیل از خرابکاران بدست آوردند. مسئله‌ای که پیش از پیش جلب توجه می‌کند شرکت فعال گروه‌های وسیع مسلح دهقانان و کارگران افغانستان در مبارزه با باندهای ضد انقلابی است که بویژه از پاکستان وارد شده و عملیات خود را انجام می‌دهند. اکنون در هر منطقه جوانان، کشاورزان و کارگران که انقلاب را متعلق به خود می‌دانند و مصمم به دفاع از دستاوردهای آن در برابر هجوم خارجی هستند، دوش بدوش نیروهای مسلح افغانستان چنانچه کارگران مزدور را به سزای اعمال خائنانه و جنایتکارانه‌شان می‌رسانند.

دستگیری و شکنجه مبارزان در کرانه غربی رود اردن

ماموران رژیم صهیونیستی تل‌آویو سرکوب را در کرانه غربی رود اردن یک‌گونه‌ای بسایه افزایش داده‌اند. گزارش‌های حکایت از آن دارد که چگونه یوشان اسرائیلی عمده زیادی از جوانانی را که در پی تظاهرات چند روز گذشته بازداشت شده‌اند و حسیانه مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار داده‌اند. تظاهرات چند روز گذشته که هنوز نیز به گونه‌ای وسیع این سرزمین را فراگرفته به نشانه اعتراض به اخراج دو تن از شهرداران کرانه غربی رود اردن انجام گرفت. در این تظاهرات بویژه دانش‌آموزان و دانشجویان فلسطینی شرکت‌فعال داشتند. در رابطه با همین مسئله کمیته فلسطینی سازمان ملل از شورای امنیت خواست رژیم اسرائیل را برای بازگشت دو شهردار اخراج شده به کرانه غربی زیر فشار قرار دهند.

سرازات انجام آزمایشهای گرانبهای علمی

۳ فضانورد اتحاد شوروی به زمین بازگشتند

۳ فضانورد اتحاد شوروی به زمین بازگشتند

۳ فضانورد اتحاد شوروی ماکزیم، ماکاروف و استرو-کالوف که بوسیله سفینه پیشرفته سایوز - تی-۳ به فضا رفته و در آزمایشگاه فضایی سالیوت یک رشته آزمایشهای گرانبهای علمی انجام دادند. به زمین بازگشتند. در جریان این آزمایشها سفینه پیشرفته سایوز-تی-۳ که بوسایل بسیار پیچیده از جمله دستگاه کامپیوتر کنترل ویژه پروراز مجهز بود مورد آزمایش قرار گرفت. فضانوردان شوروی سالیوت ۶، آزمایشهایی در زمینه تولید مواد نپه‌های انجام داده و همچنین درباره یک رشته مسائل بیولوژیکی و منابع معدنی زمین مطالعاتی انجام دادند. همچنین دستگاههای سالیوت ۶ را که ۳ سال است در فضا فعالیت می‌کند، مورد بازرسی و تعمیر قرار دادند.

نامه مردم

از گران مرکز حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 393
13 December 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند.

صندوق پستی ۱۳۵۵۰ منطقه ۱ پستی تهران